

الحمد لله  
الرحمن  
الرحيم



## گزارش راهبردی سیاسی - ۲۸

اختلال در دستگاه محاسباتی (تبیین الگوی تغییر محاسبات مسئولان متأثر از نفوذ)

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مرکز پژوهشی آرا

اندیشکده سیاست‌های راهبردی روشن آرا (اسرا)

دپارتمان امنیت ملی

ویرایش اول، تابستان ۱۳۹۶

طراحی جلد و صفحه‌آرایی و چاپ: واحد گرافیک مؤسسه پیام‌رسان حکمت و اندیشه

غیر قابل انتشار

داخلی و به منظور استفاده شخصی شما فرهیخته گرامی ارسال می‌گردد.

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر متعلق به مرکز پژوهشی آرا می‌باشد.

شماره تماس: ۲ الی ۸۸۶۳۹۶۱-۰۲۱

ararc.ir



**اختلال در دستگاه محاسباتی**  
(تبيين الگوی تغيير محاسبات مسئولان متأثر از نفوذ)



۶	مقدمه.....
۷	بیان مسأله.....
۹	بخش اول: نفوذ در قواعد و ساختارها.....
۱۱	بررسی برخی از موانع تفکر سیستمی.....
۱۲	خطاهای تصمیم‌گیری.....
۱۲	دسته اول: خطاهای همگانی در تصمیم‌گیری.....
۱۵	خطاهای شناختی در تصمیم‌گیری.....
۲۴	خطاهای آماری در تصمیم‌گیری.....
۲۷	بخش دوم: نفوذ در لایه سوم (ارزش‌ها، باورها و ایدئولوژی).....
۲۸	مبانی خطای محاسباتی از منظر اندیشه مقام معظم رهبری.....
۴۷	خطای راهبردی از منظر قرآن.....
۴۸	تهدید.....
۴۸	تطمیع (وعده).....
۴۹	فریب.....
۵۱	در آرزو افکنندن.....
۵۲	تسویل و زینت دادن.....
۵۳	تئوری‌سازی.....
۵۴	تلبیس.....
۵۶	کارهای شیطان.....
۵۷	آمریکا: شیطان بزرگ.....



- هدف دشمن استکباری: اختلال در دستگاه محاسباتی مسئولان کشور اسلامی ..... ۵۸
- ارتباط جنگ نرم دشمن و روش اختلال در دستگاه محاسباتی ..... ۵۹
- تئوری سازی ..... ۶۸
- پیامدهای اختلال در دستگاه محاسباتی (خطاهای محاسباتی) ..... ۷۷
- نادیده گرفتن سنت‌های الهی و عوامل معنوی ..... ۷۷
- درس نگرفتن از تجربیات گذشته ..... ۷۸
- عدم واقع‌نگری و تکیه بر توهمات غیرعقلانی ..... ۸۰
- نفهمیدن تکلیف ..... ۸۲
- عدم شناخت و درک منابع اصلی قدرت کشور و تضعیف آن‌ها ..... ۸۳
- فرافکنی و فرار رو به جلو به جای پذیرفتن خطا و دفع خطر نفوذ ..... ۸۹
- خوش بینی و بدبینی به آمریکا و مذاکرات هسته‌ای ..... ۸۹
- نشناختن میدان و عرصه جنگ و اعتماد به دشمن و غافلگیر شدن از او ..... ۹۱
- پرهیز از اقدام انقلابی، ابتکاری و جسورانه در مقابل دشمن بدعهد ..... ۹۶
- حقارت در مقابل دشمن و فقدان عزت و غیرت ..... ۱۰۲
- منابع ..... ۱۰۵



## مقدمه

اداراک صحیح و مطابق با واقع ما از یک پدیده، شاید اهمیتی به مراتب بیشتر از خود آن پدیده و پیامدهایش داشته باشد. با روی کار آمدن دولت یازدهم و به‌ویژه توافق برجام، دشمن به‌دنبال مجرای برای نفوذ بوده و یکی از راهبردهای اصلی‌اش برای این هدف، ایجاد اختلال در دستگاه محاسباتی مسئولان است. در مدت چهار سال گذشته، دشمن در جبهه‌ها و عرصه‌های سیاست، فرهنگ، اقتصاد و امنیت، توطئه‌هایی چیده و در دست اجرا دارد و دولت یازدهم به‌رغم هشدارها و تذکرات امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و سایر گروه‌های مرجع علمی و دینی، نسبت به این مسائل بی‌تفاوت بوده و گاهی به‌عنوان حامل و عامل آن نقشه عمل کرده‌است. دلیل ادراک متفاوت از این واقعیت‌ها را می‌توان در مختل شدن دستگاه محاسباتی مسئولان

مدل‌های ذهنی تجزیه و تحلیل داده‌ها و فهم آن‌ها از واقعیت) جست‌وجو کرد. اختلال در دستگاه محاسباتی، می‌تواند از طریق مکانیزم‌های پیچیده، حساسیت ذهن و اندیشه تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و تحلیل‌گران دولت را نسبت به یک موضوع کم‌رنگ کرده و در مقابل به موارد دیگری بها و اهمیت داده یا اساساً آن موضوع را وارونه جلوه دهد. در این مجال، اختلال در دستگاه محاسباتی مسئولان به‌عنوان یکی از راهبردهای دشمن واکاوی شده و بر این اساس عملکرد دولت یازدهم مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

## بیان مسأله

نفوذ انواع و اقسام گوناگونی دارد که بارها نیز مورد تأکید و اشاره مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی) نیز قرار گرفته است.<sup>۱</sup> در واقع نفوذ متناسب با تغییر وضعیت دشمن در سطوح مختلفی قابل پیگیری و اجرا است. تحول در ابزارهای تهاجم رهاورد جدیدی است که امروزه از آن با عنوان تهدیدهای مرکب یاد می‌شود. تهدیدهای مرکب اشاره به عرصه‌های مختلفی دارد که می‌تواند در شکست و بردگی یک کشور نقش داشته باشد. این عرصه از حوزه‌های کاملاً سخت و ملموس تا بخش‌های نرم و مبتنی بر

۱. الان هم شروع کرده‌اند و برنامه‌ریزی کرده‌اند برای نفوذ؛ انواع و اقسام طرق را - من محاسبه می‌کردم با خودم، دیدم شاید حدود ده راه مهم را- برای نفوذ در کشور پیدا کرده‌اند و دارند عمل می‌کنند؛ همین حالا دارند عمل می‌کنند. یکی‌اش راه علمی است؛ از طریق ارتباط با دانشگاه‌ها، ارتباط با دانشمندان، ارتباط با استاد، ارتباط با دانشجوی -کنفرانس‌های به‌ظاهر علمی [ولی] در باطن برای نفوذ- افراد امنیتی را اینجا می‌فرستند؛ این یکی از راه‌ها [است]...انواع و اقسام گوناگون، راه‌های نفوذ دارند؛ ما بایستی مراقب باشیم، باید مواظب باشیم (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری: ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

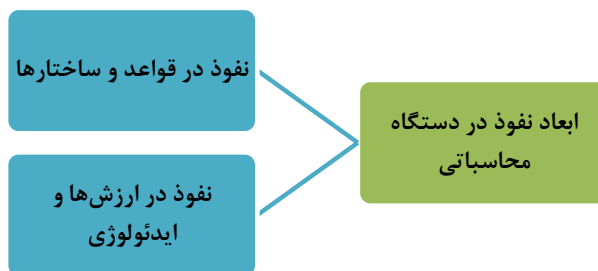
ارزش را شامل می‌شود. هرچه از ابزارهای سخت به سمت ابزارهای نیمه‌سخت و نرم حرکت می‌کنیم، زمان لازم برای اثرگذاری افزایش می‌یابد، ولی عمق تأثیر آن به شرح جدول زیر بیشتر و ماندگارتر است.

جدول ۱: عرصه‌های مختلف تهدید

ردیف	ابزار	زمان لازم برای اثرگذاری	ماندگاری تأثیرات
۱	سخت (نظامی)	کم	کوتاه‌مدت
۲	نیمه‌سخت (اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی)	متوسط	میان‌مدت
۳	نرم (ارزش‌ها، باورها)	زیاد	بلندمدت

اگر بخواهیم میان قلمرو عمل دو مفهوم سلطه و نفوذ بر اساس جدول فوق تمایز قائل شویم، باید گفت درگیری و تهاجم نظامی عرصه سلطه و در مسیر تحقق آن است، درحالی‌که نفوذ دو لایه بعدی، یعنی بُعد نیمه‌سخت که شامل قواعد و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی است و همچنین بُعد نرم که ارزش‌ها و باورها و به‌عبارت کلی‌تر، ایدئولوژی و جهان‌بینی را در بر می‌گیرد، می‌شود. بر همین اساس در ادامه گزارش دو بخش کلان وجود دارد: قسمت نخست نفوذ در لایه میانی، یعنی نیمه‌سخت را در بر می‌گیرد و به عوامل شکل‌دهنده آن می‌پردازد. بخش دوم به واکاوی اینکه چگونه تغییر ارزش‌ها و جهان‌بینی افراد و تصمیم‌گیران باعث ادراک متفاوت از پدیده‌ها می‌شود، می‌پردازد و به موارد آن در دولت یازدهم نیز اشاره می‌کند.





شکل ۱: ابعاد نفوذ در دستگاه محاسباتی

## بخش اول : نفوذ در قواعد و ساختارها

شاید اصلی‌ترین سؤالی که در اینجا باید به آن پاسخ داد این باشد که چرا اساساً دشمن به این نوع نفوذ روی می‌آورد و از ابتدا به ساکن به نفوذ در ارزش‌ها و ایدئولوژی نمی‌پردازد؟ در پاسخ باید گفت منطق بهره‌وری این اقتضا را دارد که با کمترین هزینه و در کوتاه‌ترین زمان حاصل شود. همانگونه که در شکل ۱ نیز بیان شد، نفوذ در قواعد و ساختارها در میان‌مدت تأثیرگذار خواهد بود، درحالی‌که برای تغییر باورها و نظام اندیشه افراد باید زمان و هزینه بیشتری را صرف کرد و حصول نتیجه نیز تا مدت‌های طولانی محقق نخواهد شد.

یکی از مسیرهای مطمئن در اندیشیدن، نگاه سیستمی است. تفکر سیستمی بدین معناست که به کل همانند یک فعالیت نگاه شود و بررسی اجزاء در کل سیستم صورت پذیرد، نه جدای از سیستم. سیستم را می‌توان مجموعه‌ای از اجزای به هم مرتبط دانست

که تغییر در هر بخش بر دیگر بخش‌ها تأثیرگذار خواهد بود. در واقع یک سیستم را نمی‌توان به اجزای جداگانه تقسیم‌بندی کرد، بلکه عملکرد یک سیستم بیشتر بستگی به چگونگی تعامل میان اجزای آن دارد تا چگونگی عملکرد مستقل هر جزء؛ به عبارتی، اگر در یک سیستم میان اجزای آن تعاملی وجود نداشته باشد، آنچه حاصل می‌شود یک مجموعه است و نه یک سیستم.

سیستم‌ها را با توجه به اینکه با فضای اطراف خود در ارتباط هستند یا خیر، می‌توان به دو نوع سیستم باز و بسته تقسیم‌بندی کرد. سیستم بسته هیچگونه ارتباطی با فضای اطراف خود نداشته و فضای اطراف نیز هیچگونه تأثیری بر آن نمی‌گذارد. در یک سیستم اهمیت تمامی اجزاء به یک میزان است؛ چرا که اگر هر جزء از سیستم حذف شود و یا نتواند به خوبی وظیفه خود را انجام دهد، آن سیستم نیز نمی‌تواند در جهت هدف تعیین‌شده خود حرکت نماید. در نتیجه بیان یک جزء با اهمیت و یا بی‌اهمیت در یک سیستم عملاً بی‌معنا است.

برای درک بهتر از یک سیستم می‌توان بدن انسان را در نظر گرفت که از مجموعه‌ای اجزاء تشکیل شده است. تمامی اجزاء با یکدیگر در تعامل بوده و حذف هر جزء از این سیستم می‌تواند سلامت انسان را به خطر بیندازد. هیچیک از این اجزاء به تنهایی انسان نبوده، بلکه تمامی آن‌ها در کنار یکدیگر مفهوم بدن انسان را به وجود می‌آورد. این سیستم از آنجایی که از فضای اطراف خود تأثیر می‌پذیرد، یک سیستم باز محسوب می‌شود.

## بررسی برخی از موانع تفکر سیستمی

اساس تفکر سیستمی بررسی جزء در کل است، نه جدای از آن. در واقع در تفکر سیستمی، سیستم را از محیط اطرافش جدا نمی‌کنند و به بررسی جزئیات به صورت تک‌عاملی نمی‌پردازند. خاستگاه اولیه تفکر سیستمی علم زیست‌شناسی بوده است، ولی امروزه تفکری فرارشته‌ای شناخته می‌شود که روشی مؤثر برای سیستم‌های اجتماعی در محیط آکنده از پیچیدگی ارائه می‌دهد. با آنکه فواید تفکر سیستمی بر کسی پوشیده نیست، ولی در عمل با موانعی روبه‌رو است که ریشه در نگرش و رفتار انسان‌ها دارد. برخی از این موانع را می‌توان بدین شرح بیان نمود:

جزء‌نگری که نقطه مقابل آن، کل‌نگری است، ولی آنچه در تفکر سیستمی اهمیت دارد قرار دادن جزء‌نگری در کنار کل‌نگری است. دیدن درختان از پایین باید در کنار دیدن جنگل از بالا همراه باشد. در واقع هنر تفکر سیستمی دیدن همزمان درختان و جنگل است. بسیاری بر این باور هستند که تفکر سیستمی فقط دیدن از بالا و یک تصویر بزرگ از مسأله است، در حالی که به تعبیر مایکل پورتر، یک جنگل از بالا تنها شبیه یک سفره سبز است و فقط کسی می‌تواند معنای جنگل را بفهمد که در آن قدم نیز بزند.

تمرکز بر وقایع در زندگی باعث می‌شود که نتوان درک درستی از الگوی تغییرات درازمدتی که در پشت این اتفاقات نهفته است، به دست آورد و مانعی برای تفکر سیستمی است؛ همانند داستان قورباغه‌ای که از درک افزایش تدریجی حرارت آب ناتوان است و نتیجه آن پخته شدن و مرگ او است.

## خطاهای تصمیم‌گیری

چمپو یکی از دانشمندان مدیریت می‌گوید: تصمیم‌گیری یک فرآیند است. این فرآیند از سه مرحله تشکیل شده است (فربودی، ۱۳۷۹):

- تعریف مسأله و مشکل
  - شناخت راهکارهای گوناگون
  - گزینش مناسب‌ترین راهکار از میان آن‌ها به منظور رسیدن به یک هدف
- اما فرآیند تصمیم‌گیری همواره به شکل مطلوب و صحیح خود انجام نمی‌شود و عوامل متعددی دارد. فربودی (۱۳۷۹) در ادامه به برخی از خطاهای این فرآیند اشاره کرده است.

### • دسته اول: خطاهای همگانی در تصمیم‌گیری

گروه نخست از اشتباهات رایج در تصمیم‌گیری را بیشتر باید مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی، محدودیت‌های زمانی و فشارهای محیطی جست‌وجو کرد؛ برای مثال، می‌توان گفت مطالعات انجام شده در خصوص شرکت‌های سرمایه‌گذاری نشان می‌دهند دو عامل زمان و عدم قطعیت به شکل محسوسی بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و افق تصمیم‌گیری آن‌ها تأثیر دارند (GOLLIER, ۲۰۰۲). نکته حائز اهمیت اینکه شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران جوان خطری بیشتری را نسبت به همکاران مسن‌تر خود می‌پذیرند (همان). مدیران سرمایه‌گذاری و جوه مخاطره‌آمیز، با افزایش سن دچار افزایش نزدیک‌بینی می‌شوند. شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد سن سرمایه‌گذاران تأثیر زیادی بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و انتخاب

پروژه‌ها دارد (Dima, ۲۰۱۱)؛ به عبارت دیگر، جسارت و جرأت در تصمیم‌گیری‌های مخاطره‌آمیز که یکی از ویژگی‌های اصلی خط‌مشی‌های کلان جامعه است، تحت تأثیر متغیر سن افراد قرار دارد و هرچه خط‌مشی‌گذاران افراد دارای سن بیشتری باشند، سعی در پرهیز از تغییر و ایجاد یک شرایط کنترل‌شده و قابل مدیریت دارند که تنها از طریق نزدیک‌بینی قابل تحقق است.

توجه به آینده مستلزم مواجهه با پدیده تغییر است. افراد و خط‌مشی‌گذاران به دلایل متعددی از رویارویی با پدیده تغییر خودداری می‌کنند. برخی از این دلایل عبارتند از:

- عادت

- ترس

- به هم خوردن معادلات باثبات (استیسی: ۵۷-۵۸).

سه ویژگی فوق سبب می‌گردد شخصیت تصمیم‌گیران و خط‌مشی‌گذاران به سمت حفظ وضعیت موجود پیش برود و در نتیجه از توجه به آینده غفلت کنند و در نتیجه دچار خطای محاسباتی گردند (Ludwig: ۲۰۳). وابستگی به وضعیت موجود، پرهیز از رویارویی با آینده و حوادث آن در کنار انتظار نابه‌جا از وقوع آینده‌ای مطلوب سبب شده رفتار مناسبی از سوی خط‌مشی‌گذاران در مواجهه با آینده شکل نگیرد. افراد در بسیاری از مواقع از اطمینان زیاد به قضاوتشان (ناچیز شمردن شک و تردید)، تصور آرمانی (ارزیابی نتایج مطلوب محتمل‌تر و مناسب‌تر از نتایج نامطلوب) و خطای کنترل (باور به اینکه فرد می‌تواند نتیجه حوادث اتفاقی را پیشگویی کند و یا تحت تأثیر

خود در آورد)، در رنج و عذاب هستند (استرمن، ۱۳۸۶: ۵۵). در ادامه به شکل خلاصه بخشی از خطاهای عمومی ارائه شده‌اند.

جدول ۲: خطاهای عمومی فرآیند تصمیم‌گیری

عدم آگاهی از عواملی که بر قضاوت ما مؤثر هستند.	ترسویی
عدم استفاده از یک روش منظم	محدودیت‌های زمانی
غلبه احساسات بر منطق تصمیم‌گیری	غفلت از تفکیک علائم از مسائل <sup>۱</sup>
عدم اجرای تصمیم	عدم تعریف شرایط، ضوابط و هدف‌ها
تصمیم‌گیری هنگام گرسنگی، تشنگی، خستگی و عصبانیت	استنباط از منابع اعتمادناپذیر
شرایط خانوادگی	سن

شرایط خاص (مانند بحران) ویژگی‌ها و ملاحظات با خود به همراه دارد که می‌تواند بر انتخاب‌های تصمیم‌گیران مؤثر باشد (ره‌پیک، ۱۳۸۹).

- فشار شدید بر تصمیم‌گیران
- بالا بودن هزینه تصمیم‌گیری
- نیاز به اجماع و قاطعیت
- محدودیت‌های تصمیم‌گیری

## • خطاهای شناختی در تصمیم‌گیری

خطاهای شناختی<sup>۱</sup> از جمله مباحث مطرح در مدیریت و روانشناسی است که بسیاری از افراد به دلیل عدم آگاهی با اصول تفکر منطقی و صحیح ناخواسته دچار آن می‌شوند. در واقع اینگونه خطاها مانع دسترسی به اطلاعات سالم شده و فرد را دچار خطا در تصمیم‌گیری می‌نمایند.

تصمیم‌گیری را می‌توان یک فرآیند ذهنی دانست که در نهایت منجر به انتخاب یک گزینه از میان گزینه‌های موجود می‌شود؛ از آنجایی که از جمله مهم‌ترین وظایف مدیران تصمیم‌گیری است، آگاهی از اینگونه خطاها باعث خواهد شد تا فرد نسبت به میزان منطقی بودن و یا احساسی بودن تصمیم خود آگاه‌تر شود. روانشناسان شناختی، انسان را موجودی پردازش‌کننده اطلاعات می‌دانند و موضوعاتی همانند این را که ذهن چگونه و با چه ساختاری به درک و حل مسائل می‌رسد، بررسی می‌کنند؛ از جمله پیشگامان روانشناسی شناختی که در خصوص نوع ادراک ذهن نسبت به محیط اطراف و خطاهای شناختی تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند، می‌توان به آلبرت ایلس<sup>۲</sup> و آرون تی بک<sup>۳</sup> اشاره نمود.

---

1 . Cognitive Errors

2 . Albert Ellis

3 . Aaron T. Beck

تحقیقات صورت گرفته در ارتباط با خطاهای شناختی، قالب‌های مختلفی را برای آنها بیان می‌کند که عبارتند از:

**ذهن خوانی:** این خطا زمانی رخ می‌دهد که فرد تلاش دارد تا افکار و احساسات دیگران را با دیدگاه منفی حدس بزند.

**فیلتر ذهنی:** در این خطای ذهنی فرد تمامی واقعیت‌ها را نمی‌بیند و فقط به بخش محدودی از آنها توجه می‌کند. در واقع فردی که دچار این خطای ذهنی است، به واسطه یک حادثه منفی تمامی واقعیت‌های اطراف خود را با دیدگاه منفی می‌نگرد. بی‌توجهی به امر مثبت، از آنجا ایجاد می‌شود که فرد فقط به جنبه‌های منفی توجه نموده و نکات مثبت را در نظر نمی‌گیرد؛ برای مثال، می‌توان به افرادی اشاره کرد که دارای دیدگاه منفی نسبت به تمامی اتفاقات اطراف خود هستند.

**همه یا هیچ:** این خطای ذهنی از تفکر کمال‌گرا سرچشمه می‌گیرد. چنین افرادی اگر به کامل‌ترین و بالاترین سطح مورد انتظار خود نرسند، اینگونه تصور می‌کنند که هیچ موفقیتی به دست نیاورده‌اند.

**پیشگویی:** زمانی رخ می‌دهد که فرد شروع به پیش‌بینی منفی برای آینده نموده و انتظار اتفاقاتی بد برای آینده را دارد.<sup>۱</sup>

۱. تحلیل دولت یازدهم مبتنی بر احتمال وقوع جنگ علیه ایران و در نتیجه پذیرفتن برجام از خطاها است.



**تعمیم مبالغه آمیز:** یا درشت‌نمایی زمانی پیش می‌آید که فرد با افکار اغراق‌آمیز خود مسأله‌ای را بزرگتر و مهم‌تر از آنچه هست، تصور می‌کند.

**استدلال احساسی:** در این خطای ذهنی فرد بدون هیچ دلیل کافی و صرفاً با توجه به احساسی که دارد شروع به قضاوت کردن می‌نماید. مطالعات نشان می‌دهد وجه تمایز ویژگی‌های مدیران ممتاز و برتر با مدیران معمولی به مهارت‌های هوش هیجانی بالای آنان بستگی دارد. مدیران زمانی می‌توانند یک تصمیم صحیح و به‌جا بگیرند که از اطلاعات خود بهره بگیرند و هیجان‌های خود را کنترل کنند و این همان هوش هیجانی است که تعیین می‌کند چگونه رفتار خود را اداره کنند و با مشکلات اجتماعی کنار بیایند و تصمیم‌هایی بگیرند که به نتایج مثبت ختم شود (قربانی، ۱۳۸۸).

**بایدها:** هنگامی رخ می‌دهد که فرد برای خود بایدها و نبایدهای بسیاری در نظر گرفته و چهارچوب‌های بسیاری را تعریف می‌نماید.

**برچسب‌زدن:** باعث می‌شود تا فرد نسبت به تمامی اتفاقات و پدیده‌های اطراف خود از برچسب‌های منفی مختلفی استفاده نماید.<sup>۲</sup>

۱. در یک بررسی نشان داده شده بود که سخنرانی‌های دکتر روحانی در ساعات ابتدایی روز از هیجان و برانگیختگی بالاتری برخوردار است و در نتیجه بیشتر حالت احساسی پیدا می‌کند تا عقلانی.

۲. دکتر روحانی در برچسب‌زنی به منتقدان خود و برجام به‌وفور از این شیوه استفاده می‌کند. او بارها مخالفان خود را افراد کم‌سواد، ترسو، کاسبان تحریم و... خطاب کرده است.

**شخصی سازی:** باعث آن می شود تا فرد خود را بی دلیل مسئول اتفاقی بداند که امکان هیچگونه کنترلی بر آن را نداشته است؛ برخی افراد نیز از جنبه دیگر دچار این خطای ذهنی می شوند؛ بدین صورت که دیگران را مسئول اتفاقی می دانند که هیچ مسئولیتی متوجه آن‌ها نبوده است.

**مقایسه غیرمنصفانه:** این خطای ذهنی زمانی رخ می دهد که فرد اتفاقات اطراف خود را بر اساس استانداردهای غیرواقع بینانه اش تفسیر می نماید. این افراد خود را به گونه ای با دیگران مقایسه می کنند که نتیجه آن حقیر جلوه کردن خودشان باشد. **اثر اطمینان کاذب:** زمانی رخ می دهد که فرد تمامی شواهد را که بر ضد افکارش است، رد نموده و به دنبال نشانه هایی برای اطمینان بخشیدن است.

**سوءگیری اطلاعاتی:** این خطای ذهنی زمانی رخ می دهد که فرد به تصور آنکه جمع آوری بیشتر اطلاعات می تواند به او کمک نماید، اقدام به این کار کرده، ولی هرچه حجم اطلاعات جمع آوری شده افزایش می یابد، میزان سردرگمی او نیز بیشتر می شود.

**تعهد:** در این خطای ذهنی فرد صرفاً بر اساس یک تعهد و تصمیم اصرار در اجرای عملی دارد، درحالی که گزینه های بهتر دیگری نیز در پیش روی او قرار داده شده است.

بسیاری از این خطاها از نظام اندیشه ای فرد تصمیم گیر نشأت می گیرند. هر چارچوب فکری می تواند به پرده ای تبدیل شود که به ناظر اجازه دهد تنها آنچه را دوست دارد، ببیند و آنچه را به دنبال آن است، بیابد (جوادی ارجمند، ۱۳۹۰).

پیش‌فرض‌های ذهنی و انگاره‌های خط‌تصمیم‌گیران و خط‌مشی‌گذاران مقدم بر ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری رفتار آنها تأثیر دارد؛ زیرا درک و تحلیل ساختارهای اجتماعی نیز از منظر همین عوامل صورت می‌گیرد و در نتیجه فرد خود را فعال یا منفعل می‌یابد.

طبق نظریه‌های شخصیت، رفتار افراد تا حد زیادی از سیستم خود تأثیر می‌پذیرد. سیستم خود<sup>۱</sup> الگوی رفتاری باثباتی است که با محافظت کردن از افراد در برابر اضطراب، امنیت میان‌فردی آنها را تأمین می‌کند. زمانی که کودکان هوش و آینده‌بینی را پرورش می‌دهند می‌توانند یاد بگیرند کدام رفتارها به افزایش اضطراب مربوط می‌شوند. این توانایی تشخیص دادن افزایش یا کاهش جزئی در اضطراب سیستم خود را به‌وسیله هشداردهنده مجهز می‌کند. با این حال این هشدار نعمت درهمی است؛ از یک‌سو به‌عنوان یک علامت عمل می‌کند و افراد را از افزایش اضطراب آگاه می‌سازد و با امکان محافظت کردن خود علیه اضطراب، سیستم خود را در برابر تغییر مقاوم می‌سازد و به افراد اجازه نمی‌دهد از تجربیات آکنده از اضطراب بهره‌مند شوند؛ چون وظیفه اصلی سیستم خود محافظت کردن از افراد در برابر اضطراب است که مانع اصلی بر سر تغییرات مطلوب در شخصیت است (فیست و فیست، ۱۳۸۴: ۲۵۹-۲۵۸).

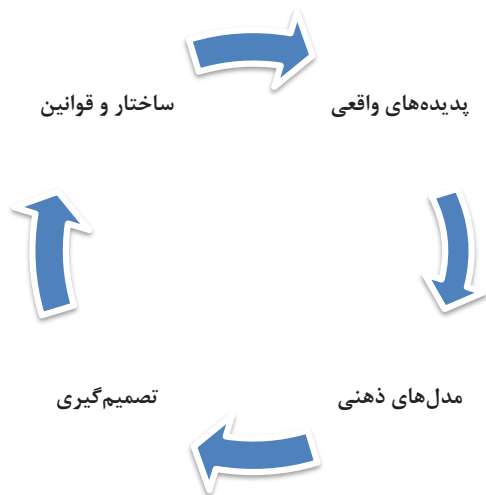
مواجهه افراد با آینده تا حدی ایجاد اضطراب می‌کند و به‌دلیل سیستم محافظتی افراد به‌منظور کاهش اضطراب نوعی آینده‌گریزی و یا در نظر گرفتن آینده مطلوب،

هرچند با احتمال وقوع اندک را موجب می‌گردد. اضطراب نقش یک علامت را دارد و بیانگر آن است که باید از خطری قریب‌الوقوع - که در واقع تهدیدی برای خود است - اجتناب ورزید یا آن را خنثی کرد (دوان شولتز، ۱۳۸۶: ۶۴). تقویت خودآگاهی در افراد سبب خواهد شد آن‌ها امکان مدیریت شرایط پیش‌آمده را در اختیار بگیرند و از ارائه واکنش‌های صرفاً فیزیولوژیکی جلوگیری نمایند.

یکی از ابزارهای دفاعی سیستم خود، بی‌توجهی‌گزینشی<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. بی‌توجهی‌گزینشی خودداری از دیدن چیزهایی است که فرد دوست ندارد آن‌ها را ببیند. تجربیاتی که به‌صورت گزینشی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند، بیشتر در دسترس آگاهی قرار دارند و از نظر گستره، محدودتر هستند. این تجربیات پس از اینکه افراد سیستم خود را تشکیل داده‌اند، آغاز می‌شوند و تلاش‌های افراد برای ممانعت از ورود تجربیاتی که با سیستم خود موجود آن‌ها هماهنگ نیستند، آن‌ها را تحریک می‌کنند (همان: ۲۵۹). در واقع بسیاری از مواقع ما در شناخت آینده دچار مشکل می‌شویم که این امر، به‌دلیل بی‌توجهی‌گزینشی است؛ زیرا صرفاً به داده‌های مطلوب توجه می‌کنیم و در نتیجه آینده را مثبت ارزیابی کرده و برنامه‌ها را مبتنی بر این تصور طراحی می‌کنیم، درحالی‌که در واقع اینگونه نیست. قرار گرفتن در یک فرهنگ مشابه که از تغییر و نوآوری جلوگیری می‌کند، سبب بروز نزدیک‌بینی خواهد شد. ایجاد وابستگی به شرایط موجود سبب خواهد شد هرگونه حرکت از این وضعیت با مقاومت مواجه

شود و از طریق به‌کارگیری سازوکارهای دفاعی با آن مقابله شود. امور روزمره تدافعی<sup>۱</sup> اغلب در قالب تفکر گروهی نتیجه می‌دهد، درحالی‌که اعضای یک گروه به صورت دو طرفه عقاید و نظریه‌های یکدیگر را تقویت و از اختلاف عقیده جلوگیری کرده و راه را برای دیدگاه‌های متفاوت و یا مدارک مبنی بر عدم تأیید مسدود می‌کنند. امور روزمره تدافعی این اطمینان را به‌وجود می‌آورند که مدل‌های ذهنی اعضای تیم، بیمارگونه مبهم و غیرواضح به نظر برسند (استرمن، ۱۳۸۶: ۵۹).

آیا برداشت و فهم افراد از تحولات محیطی و مفاهیم پیش رو یکسان است؟ به نظر می‌رسد درک متفاوت از پدیده‌های مشابه در عالم واقع سبب شده کنش‌های متفاوتی از سوی آن‌ها بروز کند. یکی از دلایل این تفاوت در فهم و دریافت را باید در مفهومی به نام مدل‌های ذهنی جست‌وجو کرد. مدل‌های ذهنی به‌طور گسترده‌ای در روانشناسی و فلسفه مورد بحث قرار می‌گیرند. نظریه‌های مختلف، مدل‌های ذهنی را به‌عنوان مجموعه‌ای از امور روزمره، روش‌های اجرایی استاندارد، دستورالعمل‌هایی برای اجرای عملیات انتخابی ممکن، نقشه‌های ادراک یک قلمرو، گونه‌شناسی برای طبقه‌بندی تجارب، ساختارهای منطقی برای تفسیر زبان و یا نشانه‌هایی درباره افرادی که در زندگی روزانه با آن‌ها مواجه می‌شوند، توصیف می‌کنند. افراد در رویارویی با پیچیدگی‌های طاقت‌فرسای دنیای واقعی، فشار زمان و توانایی‌های شناختی محدود، مجبور به روش‌های متداول، عادت‌ها، قواعد علمی و مدل‌های ذهنی ساده برای تصمیم‌گیری هستند.



مدل ذهنی<sup>۱</sup> در برگیرنده باورهای افراد درباره شبکه‌ای از علت‌ها و معلول‌ها است که چگونگی عملکرد سیستم‌ها را توضیح می‌دهند. در این میان، مرز مدل‌ها (مشخص‌کننده متغیرهای تأثیرگذار و بی‌تأثیر) و افق زمانی است که به آن اهمیت داده و چارچوب قالب‌بندی مسأله هستند.

همان‌طور که در شکل نیز به‌خوبی مشخص است، وجود مدل‌های ذهنی به مثابه یک فیلتر باعث تفسیر و توجه‌گزینشی به پدیده‌های محیطی می‌گردد و همین امر سبب فهم متفاوت افراد مختلف از یک پدیده واحد می‌گردد. سوء ادراک بازخورد

و عملکرد ضعیف، حاصل دو نقیصه اساسی و مرتبط با مدل‌های ذهنی ما هستند؛ نخست اینکه نقشه‌های شناختی خط‌مشی‌گذاران از ساختارهای علی سیستم‌ها در مقایسه با پیچیدگی خود سیستم‌ها به‌طور گسترده‌ای ساده شده‌اند؛ دوم اینکه آن‌ها در تفسیر پویایی همه سیستم‌های پیچیده ناتوان هستند. هر دوی این عوامل پیامدهای مستقیم عقلانیت محدود هستند؛ به‌عبارتی، محدودیت‌های زیادی در توجه به حافظه، فراخوانی، قابلیت پردازش اطلاعات و زمان وجود دارد که تصمیم‌گیری انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان: ۵۱).

یکی دیگر از سازوکارهای شخصیتی افراد و از جمله خط‌مشی‌گذاران، مفهوم کارآیی جمعی است. بندورا (۱۹۹۸) کارآیی جمعی<sup>۱</sup> را به این صورت تعریف کرده است: اعتقاد مشترک افراد به نیروی جمعی‌شان برای به بار آوردن نتایج مطلوب؛ به‌عبارت‌دیگر، کارآیی جمعی عبارت است از اطمینان افراد از اینکه تلاش‌های مشترک آن‌ها تغییرات اجتماعی به بار خواهد آورد. بندورا اظهار می‌دارد که فرهنگ‌های مختلف سطوح متفاوت کارآیی جمعی دارند و در نظام‌های مختلف به‌صورت ثمربخش‌تری کار می‌کنند؛ برای مثال، افراد در ایالات متحده که فرهنگی فردگرا دارد، در نظام فردگرا کارآیی شخصی بیشتری احساس می‌کنند و بهتر کار می‌کنند، در حالی که افراد در چین که فرهنگی جمع‌گرا دارد، در نظام گروه‌گرا احساس کارآیی بیشتری کرده و بهتر کار می‌کنند. یکی از عواملی که کارآیی جمعی را تحلیل می‌برد، سیستم اجتماعی پیچیده با لایه‌های بوروکراسی است که از تحول

اجتماعی ممانعت می‌کند. افرادی که سعی دارند ساختارهای بوروکراتیک را تغییر دهند اغلب به دلیل ناکامی یا تأخیرهای زمانی طولانی بین اعمالشان و هرگونه تغییر محسوس دلسرد می‌شوند. بسیاری از افراد چون دلسرد و ناامید شده‌اند، به جای اینکه وسیله‌ای را برای شکل دادن آینده خودشان ابداع کنند، با اکراه کنترل را به متخصصان فنی و مقامات دولتی واگذار می‌کنند (فیست و فیست، ۱۳۸۴: ۳۷۶-۳۷۵). فرهنگ کار فردی سبب می‌گردد امکان تغییر در وضعیت موجود به شدت کاهش پیدا کند و در نتیجه خط‌مشی‌های کلان جامعه را باید امتداد ساختارهای اجتماعی آن دانست که در بخش پیشین به آن اشاره شد. تکرار این وضعیت باعث شکل‌گیری پدیده بی‌تفاوتی می‌گردد. بی‌تفاوتی پدیده‌ای است که به تدریج در افراد ظاهر می‌شود. افرادی که دچار این پدیده می‌شوند توجهی به آینده ندارند؛ زیرا در نظر آن‌ها حال، گذشته و آینده تفاوتی باهم ندارند (دانایی فرد، ۱۳۹۰: ۹)؛ زیرا اساساً امکان تغییر آینده برای آن‌ها وجود ندارد و در نتیجه آن را ثابت درمی‌یابند.

### • خطاهای آماری در تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری را باید یک فعالیت حرفه‌ای و مبتنی بر قواعد خاص خود در نظر گرفت، در غیر این صورت امکان خطا در گام‌های منطقی برای رسیدن به یک نتیجه قابل قبول با تردید و اشتباه همراه خواهد بود و در نتیجه درستی مسیر معین شده اطمینان حداکثری نخواهد داشت. در ادامه به برخی از اینگونه خطاها اشاره شده است.

- اطلاعات مقایسه‌ناپذیر
- عدم توجه به تغییرات پیش‌آمده در یک طبقه‌بندی

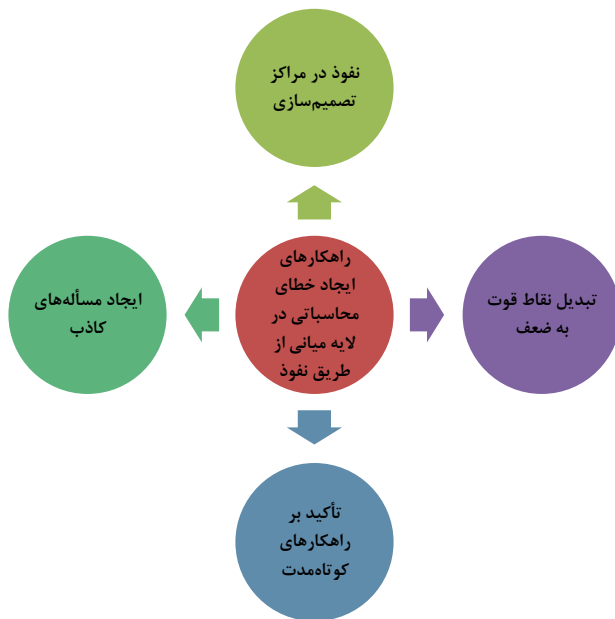


- انتخاب نمونه سوء گیرانه
- شمارش ناقص
- تصورات نادرست در مورد احتمال وقوع
- خطای ارتباط همزمانی دو پدیده

هنگامی که رویکرد تصمیم‌گیری تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار بگیرد، احتمال وقوع این نوع خطاها به شدت افزایش پیدا می‌کند و برای جلوگیری از آن لازم است متولیان حرفه‌ای تصمیم‌گیری از تجربه و تمرکز کافی برخوردار باشند.

مدیریت مبتنی بر حقایق واقع نخواهد شد، مگر با دسترسی به اطلاعات. نیاز به دسترسی سریع به اطلاعات راهبردی در همه سازمان‌های رقابتی احساس می‌شود (رضاییان و لشگر بلوکی، ۱۳۸۹)، اما یکی از مواردی که باعث می‌شود تصمیم‌گیران غیر حرفه‌ای دچار اشتباه شوند، جست‌وجوی بیش از حد در خصوص اطلاعات است. مبنای بسیاری از تصمیم‌های ما رفتار خود ماست. انتخاب‌ها، ترجیحات و تصمیمات ما از اطلاعاتی متأثرند که اثر خود را از طریق سازوکارها و فرآیندهای شناختی ناخودآگاه گوناگون اعمال می‌کنند. اطلاعات بی‌فایده و غیرابزاری اطلاعاتی هستند که اگر از آغاز و به‌طور مستقیم در دسترس فرد باشند، هیچ ارزش ابزاری ندارند و بر تصمیم‌گیری وی تأثیری نمی‌گذارند، اما اگر فرد برای آگاهی از آن‌ها انتظار بکشد، می‌تواند از طرف وی مفید، مهم و ابزاری تلقی می‌شوند و به‌طور کاذب بر تصمیم او تأثیرگذارند (عبدالهی، ۱۳۸۴).

تا اینجا نشان داده شد که چگونه یک نفر می‌تواند دچار خطای راهبردی در لایه میانی (نیمه‌سخت) شود، اما موارد متعددی وجود دارد که دشمن از طریق نفوذ در فرآیندهای تصمیم‌گیری به دنبال ایجاد و تشدید اینگونه خطاها است؛ به عبارت دیگر، دشمن تنها منتظر نمی‌ماند که ما دچار خطا شویم، بلکه خودش از طریق نفوذ در سیستم زمینه ایجاد خطا را فراهم می‌کند. در شکل زیر انواع راهکارهای احتمالی که توسط دشمن برای ایجاد خطای محاسباتی در این سطح دنبال می‌شود، ارائه شده است.



شکل ۲: ارتباط نفوذ و خطای محاسباتی

در شکل ۲ به خوبی نشان داده شده که خطای محاسباتی در مواقع زیادی با نفوذ و مداخله دشمن رخ می‌دهد. منطق بسیاری از این راهکارها به جای نفوذ بر جریان تصمیم‌گیر و نهادهای مرتبط، به دنبال تمرکز بر لایه تصمیم‌ساز هستند. در گزارش دیگری به تفصیل به این مبحث پرداخته شده که دشمن از طریق وارد کردن عناصر وابسته به خود در مراکز تحقیقاتی و پژوهش‌شکده‌های وابسته به نهادهای تصمیم‌گیری سعی فراوانی در انحراف مسیر تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری درست دارد. آنچه که در خصوص خطاهای فرآیند تصمیم‌گیری گفته شد، همگی از طریق نفوذ نیز قابل شکل‌گیری است.

## **بخش دوم: نفوذ در لایه سوم (ارزش‌ها، باورها و ایدئولوژی)**

در بخش نخست به این مطلب پرداخته شد که خطای محاسباتی چگونه از طریق خطاهای ممکن در مسیر تصمیم‌گیری رخ می‌دهد و اینکه این خطاها در موارد زیادی با نفوذ دشمن در مراکز تصمیم‌سازی شکل می‌گیرد، اما در این بخش به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که نفوذ دشمن جز این خطا در مسیر تصمیم‌گیری و استحاله کردن ماهیت مراکز تصمیم‌سازی، چگونه می‌تواند هدف تصمیم‌گیر را با هدف کشور صاحب نفوذ هم‌راستا کند؛ به عبارت دیگر، در این بُعد از نفوذ دیگر تفاوتی میان اهداف انقلاب اسلامی و آمریکا وجود نخواهد داشت؛ زیرا هر دو به یک چیز می‌اندیشند. این نفوذ که لایه ارزش‌ها و باورها را نشانه گرفته، اثر بسیار بلندمدتی دارد که به راحتی نمی‌توان از آن‌ها جدا شد.

برای رسیدن به پاسخ این سؤال دو اقدام صورت گرفته است: در گام اول بیانات مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) در خصوص خطاهای محاسباتی دشمن بررسی شده تا مشخص شود که دشمن چه مبانی و ارزش‌های اشتباهی دارد که باعث شده در مواجهه با انقلاب اسلامی دچار مشکل شود. در گام دوم نیز با رجوع به قرآن کریم از ابزارهای شیطان که با آنها مؤمنان را دچار اشتباه و خطا می‌کند، سخن گفته شده است. در این میان سعی شده متناظر با هر یک از مباحث، اقدامات و تصمیمات دولت یازدهم نیز بررسی و تحلیل شود.

### مبانی خطای محاسباتی از منظر اندیشه مقام معظم رهبری

امام‌خامنه‌ای (مدّظله العالی) می‌فرماید: «اگر در جمهوری اسلامی، مسئولان، زبندگان و نخبگان - اعم از علما و امرایشان - به این حقایق توجه و خویش‌تن‌داری کنند، خود را اسیر هواها و هوس‌ها و مطامع دنیوی نسازند؛ جاذبه‌های گمراه‌کننده دنیا آنها را مفتون خود نکنند؛ ارباب و تهدید دشمنان، آنها را از میدان خارج نکنند و در اراده آنها تزلزلی به وجود نیآورد، هیچ قدرتی نخواهد توانست عزم و اراده عظیم ملی را که در این کشور وجود دارد، اندکی مخدوش کند».<sup>۱</sup> نخبگان در قدرت سیاسی و اجتماعی یک کشور نقش کلیدی دارند. اگر در داخل کشور نخبگان به بهانه‌های واهی، وحدت و انسجام اجتماعی را بر هم نزنند، فضای یأس و سیاه‌نمایی در جامعه حاکم نکنند، هیچ دشمن بیرونی نمی‌تواند بر قدرت معنوی ایران اسلامی خدشه وارد سازد.

۱. بیانات در دیدار با کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۲/۰۷/۰۲.

آیا دشمن ابتدا نفوذ می‌کند و سپس دستگاه محاسباتی شخص یا گروه هدف را مختل می‌سازد یا اساساً ابتدا اختلالی در دستگاه محاسباتی ایجاد کرده یا از اختلال پدید آمده، مجرا و معبری برای نفوذ باز می‌کند؟ رهبر فرزانه انقلاب هشدار نسبت به اختلال در دستگاه محاسباتی را سال ۱۳۹۳ و در دیدار با مسئولان نظام مطرح و در چند سخنرانی بعدی آن را تبیین و تشریح می‌کنند. سؤال بعد است که نسبت به نفوذ دشمن به‌طور جدی هشدار می‌دهند؛ گویی اختلال مقدم بر نفوذ است؛ یعنی تا دستگاه محاسباتی مختل نشده باشد، امکان نفوذ برای دشمن وجود ندارد. ایشان هدف از نفوذ را هدف اصلی، نهایی، همیشگی و البته دست‌نیافتنی دشمن، بازگشت به دوران سلطه بی‌قید و شرط بر کشور می‌دانند و می‌فرمایند: «همه هم بدانند که هدف دشمنان ما با ریخت‌های مختلف و قیافه‌گیری‌های مختلفی که از خودشان نشان می‌دهند - گاهی احم می‌کنند، گاهی لبخند می‌زنند، گاهی اوقات وعده می‌دهند، گاهی تهدید می‌کنند - تسلط بر کشور است. دشمن می‌خواهد برگردد به دوران سلطه بی‌قید و شرط خود بر این کشور؛ چون اسلام با این برگشت به‌شدت مخالف است و نیروی مقاوم در مقابل این توطئه دشمن «اسلام» است، با اسلام مخالفند»<sup>۱</sup>.

فرمانده کل قوا یکی از راهبردهای دشمن برای نفوذ در حوزه مسئولان و نخبگان را اختلال در دستگاه محاسباتی معرفی می‌کنند. «آنچه ما امروز در مجموعه رفتار دستگاه

۱. بیانات در مراسم بیست‌وششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله، ۱۴/۰۳/۱۳۹۴.

استکبار مشاهده می‌کنیم، همین است؛ هدف ایجاد اختلال در نظام محاسباتی و دستگاه محاسباتی من و شما است. در میدان‌های دیگر، استکبار نتوانسته است، کاری از او برنیامده است.»<sup>۱</sup> «امروز یک فصل مهمی از فعالیت دشمنان جمهوری اسلامی - که البته ما از آن‌ها اطلاع داریم و حواس ما هست که چه کار دارند می‌کنند - همین است که محاسبات مسئولان را تغییر بدهند.»<sup>۲</sup>

### اختلال در دستگاه محاسباتی ← نفوذ

ایجاد خلل (دستکاری) در باورهای دینی و باورهای انقلابی را یکی از مصادیق بارز اختلال در دستگاه محاسباتی می‌دانند. «یکی از راه‌های ورود و نفوذ - که حالا در مورد نفوذ هم یک کلمه‌ای عرض خواهم کرد؛ ما همین‌طور مدام درباره نفوذ دشمن تکرار می‌کنیم، تأکید می‌کنیم - ایجاد خلل در باورها است؛ باور انقلابی، باور دینی. در معرفت‌های انقلابی و دینی اختلال ایجاد می‌کنند؛ رخنه کردن در اینها است. و از همه طرق هم استفاده می‌کنند و آدم‌های گوناگونی هم دارند؛ استاد دانشگاه هم دارند، فعال دانشجویی هم دارند، نخبه فکری و علمی هم دارند؛ همه‌جور آدمی برای ایجاد این رخنه‌ها هستند.»<sup>۳</sup> «امروز یک فصل مهمی از فعالیت دشمنان جمهوری اسلامی - که البته ما از آن‌ها اطلاع داریم و حواس ما هست که چه کار دارند می‌کنند - همین است که محاسبات مسئولان را تغییر بدهند و افکار مردم را دستکاری بکنند و اینها را

۱. بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶.

۲. بیانات در دیدار با فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان، ۱۳۹۴/۰۷/۱۵.

۳. بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵.

در ذهن جوان‌های ما [جا بیندازند]؛ چه افکار انقلابی، چه افکار دینی، چه ایده‌هایی که مربوط به مصالح کشور است. آماج اصلی هم جوان‌ها هستند؛ در چنین وضعیتی، جوان‌های کشور خیلی باید بیدار باشند»<sup>۱</sup>.

«وقتی دستگاه محاسبه انسان مختل شده باشد، از تشخیص و تحلیل درست امکانات و استعدادهاى خود و مردم کشور عاجز می‌شود. دستگاه محاسبه معیوب است که هشدار نسبت به توطئه‌های دشمن را قبول نمی‌کند. اینکه برخی مسئولان کشور واقعاً باورشان شده سعادتشان در گرو ارتباط با کدخدای جهان است، حاکی از دستگاه محاسبه معیوب است. این افراد خودشان باور کرده‌اند و با هزارویک دلیل می‌خواهند برای دیگران نیز اثبات کنند که تا زمانی که با امریکا نسازیم، نه پیشرفت اقتصادی خواهیم داشت و نه پیشرفت علمی، فناوری و نظامی. در دوره‌ای نخست‌وزیر رسمی کشور که اظهار تدین هم می‌کرد، با صراحت می‌گفت شما همیشه می‌گویید نفت را ملی کنیم؛ در این صورت چه کسی آن را اداره کند؟! ایرانی هنوز نمی‌تواند لوله‌نگ بسازد. رزم‌آرا می‌گفت ایرانی هنوز نمی‌تواند لوله‌نگ بسازد؛ آنگاه شما می‌خواهید صنعت نفت را اداره کنید ... نفوذ فرهنگی می‌گوید از شما هیچ کاری بر نمی‌آید و به هیچ کجا نمی‌رسید، مگر اینکه نوکری دیگران کنید. از این روست که مقام معظم رهبری فرمودند مهم‌ترین خطر، نفوذ فرهنگی است»<sup>۲</sup>. ایشان به شکل متناوبی به دلایل و ریشه‌های به‌وجود آورنده خطا در برنامه‌ها و محاسبات دشمن به‌خصوص آمریکا در زمینه ایران اسلامی اشاره کرده‌اند. در ادامه این بیانات ارائه شده‌اند.

۱. بیانات در دیدار با فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان، ۱۳۹۴/۰۷/۱۵.

۲. بیانات آیت‌الله مصباح در گردهمایی فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی استان کرمان، ۱۳۹۴/۱۱/۲.

جدول ۳: بیانات مقام معظم رهبری درباره خطاهای محاسباتی

مفهوم اولیه	تاریخ	بیانات	ردیف
فهم اشتباه مسئله تحلیل اشتباه	بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان - ۱۳۹۴/۰۸/۱۲	آمریکایی‌ها در طول جنگ، به خصوص بعد از سال دوم و سوم، کمک‌هایشان را شدید کردند، امکانات دادند؛ هم آن‌ها، هم متأسفانه هم پیمانان اروپایی‌شان. آمریکایی‌ها این جوری با انقلاب ما عمل کردند؛ همت آن‌ها این بود که این اساس را براندازند. خوب، این خطای در تحلیل بود، خطای در فهم قضیه بود؛ آن‌ها خیال کردند که اینجا هم مثل فلان کشور آفریقایی یا آسیایی است که یک کودتایی می‌شود، اسمش را می‌گذارند انقلاب، می‌توانند این را از بین ببرند؛ نمی‌دانستند اینجا اولاً متکی است به مردم - این انقلاب، انقلاب مردم است - ثانیاً متکی است به باورهای دینی؛ اینها را نمی‌فهمیدند. لذا در طول این ۳۶ سال یا ۳۷ سال، آمریکایی‌ها هر کاری علیه انقلاب کردند، شکست خوردند؛ بعد از این هم ان‌شاءالله شکست خواهند خورد.	۱
فهم نادرست از وقایع	بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی - ۱۳۹۳/۱۱/۱۹	امروز هم هر حرکتی از سوی آمریکایی‌ها و هم پیمانانشان و هم‌راهانشان انجام می‌گیرد، برای به زانو درآوردن ملت ایران است؛ برای تحقیر ملت ایران است. البته دچار خطایند؛ دچار اشتباه در تحلیلند؛ این یک واقعیتی است که آمریکایی‌ها در تحلیل حوادث این منطقه و به‌طور خاص تحلیل حوادث کشور عزیز ما دچار خطایند؛ دچار اشتباه‌های راهبردی هستند؛ همین خطاها هم هست که به آن‌ها دارد مرتباً صدمه می‌زند، ضربه می‌زند و ناکامشان می‌کند؛ خطای محاسباتی دارند.	۲



مفهوم اولیه	تاریخ	بیانات	ردیف
بی توجهی به پایگاه مردمی نظام	بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی - ۱۳۹۳/۱۱/۱۹	[یک] مسئول آمریکایی همین چند روز قبل از این می‌گوید که ایرانی‌ها گیر افتاده‌اند؛ ایرانی‌ها در قضایای هسته‌ای، با دست بسته پشت میز مذاکره حاضر می‌شوند. خب، این خطای محاسباتی است؛ ایرانی‌ها گیر نیفتاده‌اند، حالا شما در بیست و دوم بهمن ان‌شاءالله خواهید دید ملت ایران چه خواهد کرد و چه حضوری خواهد داشت ...	۳
پیچیده نشان دادن فرآیند تصمیم‌گیری	دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر انقلاب - ۱۳۹۱/۱۲/۱۷	دشمنان ملت ایران به دلیل نشناختن ملت ایران و اشتباه‌های محاسباتی، در این قضیه راه‌های پرپیچ و خم و عجیب و غریبی را پیشنهاد دادند که احتمال رسیدن اورانیوم ۲۰ درصد از این راه‌ها صفر بود و بر همین اساس، نظام اسلامی زیر بار این پیشنهادها نرفت.	۴
اشتباه در مقایسه نقاط قوت را به جای ضعف در نظر گرفتن	بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی - ۱۳۹۰/۱۰/۱۹	یک روز در صدر اسلام، دشمنان به نظرشان رسید که با شعب ابی‌طالب و محاصره اقتصادی مسلمان‌ها، آن‌ها را از پا بیندازند؛ اما نتوانستند. این روسیاه‌های بدمحاسبه‌گر خیال می‌کنند ما امروز در شرایط شعب ابی‌طالبیم. اینجور نیست. ما امروز در شرایط شعب ابی‌طالب نیستیم؛ ما در شرایط بدر و خیبریم. ما در شرایطی هستیم که ملت ما نشانه‌های پیروزی را به چشم دیده است؛ به آن‌ها نزدیک شده است؛ به بسیاری از مراحل پیروزی، با سرافرازی دست پیدا کرده است.	۵

مفهوم اولیه	تاریخ	بیانات	ردیف
عدم آینده‌نگری درست	بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی - ۱۳۹۰/۰۶/۲۶	آنچه ما را در اینجا گرد آورده، بیداری اسلامی است؛ یعنی حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی که اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت‌های این منطقه انجامیده و قیام‌ها و انقلاب‌هایی را پدید آورده که هرگز در محاسبه شیاطین مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌گنجد؛ خیزش‌های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آن‌ها را مغلوب و مقهور ساخته است.	۶
نقش انفعالی بازیگران وجود مراکز تخصصی برنامه‌ریزی	بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی - ۱۳۸۹/۱۰/۱۹	دشمن محاسبات خیلی دقیقی کرده بود؛ منتها خوب، محاسباتش غلط از آب درآمد؛ ملت ایران را نشناخته بود. دشمن در پشت صحنه، همه چیزها را مشاهده کرده بود. این کسانی که شما بهشان می‌گویید سران فتنه، کسانی بودند که دشمن اینها را هل داد وسط صحنه. البته گناه کردند. نایستی انسان بازیچه دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. اگر اول غفلتی کرده است، وسط کار وقتی فهمید، بلافاصله بایستی راه را عوض کند. خوب، نکردند. عامل اصلی دیگرانی بودند که طراحی کرده بودند، به خیال خودشان محاسبه کرده بودند. به گمان آن‌ها بساط جمهوری اسلامی بنا بود جمع شود؛ نه فقط حقیقت دین، حتی شعارهای دینی هم باقی نماند؛ برنامه این بود.	

مفهوم اولیه	تاریخ	بیانات	ردیف
<p>غفلت از سنت‌های الهی بی‌توجهی به امدادهای غیبی عدم امکان پیش‌بینی تمامی ابعاد</p>	<p>بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم - ۱۳۸۹/۰۸/۰۲</p>	<p>من یقین دارم که این آرزوها تحقق پیدا خواهد کرد، منتها بستگی دارد به اینکه شرایط و واقعیات چگونه پیش برود. عوامل مؤثر در حوادث، غالباً متنوع است؛ اغلب این حوادث هم از ذهن انسان خارج است، از محاسبات دور است. تنها چیزی که قابل محاسبه است، اینهاست: «ان تنصر الله ینصرکم»؛ «من کان لله کان الله له»، «و لینصرن الله من ینصره»؛ چون غیبی است و خدای متعال فرموده و «هو اصدق القائلین» است. غیر از این، همه این مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها قابل خدشه است، به‌خاطر اینکه عوامل مؤثر در حوادث از محاسبه خارج است. قدرتهای جهانی هم امروز در محاسباتشان همین را می‌دانند و ملاحظه هم می‌کنند؛ لذا شما می‌بینید یک چیزهایی را برنامه‌ریزی می‌کنند یا اعلان می‌کنند، بعد تحقق پیدا نمی‌کند؛ نه به‌خاطر این است که پشیمان شده‌اند، برای این است که می‌بینند نمی‌شود. حوادثی پیش می‌آید که محاسبه نشده است. بنابراین آن چیزهایی را که عملی است، باید به‌طور جدی مطرح کرد و دنبال کرد.</p>	<p>۷</p>
<p>طراحی بهانه به جای راه‌حل</p>	<p>بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور - ۱۳۸۹/۰۶/۱۶</p>	<p>انقلاب دست اینها را کوتاه کرده. سلطه می‌خواهد برگردد به این کشور. همه این تلاش‌ها برای این است. مسأله انرژی هسته‌ای بهانه است. آن کسانی که خیال می‌کنند اگر ما مسأله انرژی هسته‌ای را حل کردیم، مشکلات حل خواهد شد، خطا می‌کنند. مسأله انرژی هسته‌ای را مطرح می‌کنند، مسأله حقوق بشر را مطرح می‌کنند، مسائل گوناگون را مطرح می‌کنند که اینها بهانه است.</p>	<p>۸</p>

مفهوم اولیه	تاریخ	بیانات	ردیف
عدم توجه به پیامدها	خطبه‌های نماز جمعه تهران در حرم امام خمینی (ره) - ۱۳۸۹/۰۳/۱۴	صهیونیست‌ها در محاسبه خودشان خطا کردند. آن‌ها اشتباه بزرگی کردند. این اشتباه در سال‌های اخیر دارد مکرراً اتفاق می‌افتد. حمله به لبنان کردند، اشتباه کردند؛ حمله به غزه کردند، اشتباه کردند؛ حمله به این کشتی‌ها کردند، اشتباه کردند. این اشتباه‌ها یکی پس از دیگری نشان‌دهنده این است که رژیم غاصب صهیونیستی به نهایت قطعی خود - یعنی سرنگون شدن و ساقط شدن در دره‌ی نیستی - دارد قدم به قدم نزدیک می‌شود.	۹
حرکت‌های مردمی	بیانات در دیدار کاروان‌های راهیان نور در دهلاویه - ۱۳۸۵/۰۱/۰۵	من در این منطقه، مردمی را دیدم که عمر خود را در همین منطقه گذرانده بودند - برادران و خواهران عرب - و با شجاعت، با جانفشانی و وفاداری خود به اسلام و ایران عزیز، آنچنان ایستادگی‌ای کردند که همه محاسبات دشمن بعثی و پشتیبانان خارجی او، غلط از آب درآمد. من در این منطقه، جوانان غیور این کشور را مشاهده کردم که از اکناف این کشور پهناور و بزرگ، از آغوش خانواده‌ها، از زندگی راحت در کنار پدر و مادر، دل بریده بودند تا به اینجا بیایند و از مرزهای شرف و عزت ایران اسلامی دفاع کنند.	۱۰

مفهوم اولیه	تاریخ	بیانات	ردیف
قیاس اشتباه غفلت از ولایت فقیه	بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸	در همان روز ۲۱ بهمن و ۲۲ بهمن و ۲۳ بهمن از این کارها داشت می‌شد. بنده از نزدیک در جریان برخی از کارها بودم؛ داشتند حرکت می‌کردند که به اصطلاح خودشان یک جنبش کارگری و یک حرکت کارگری را بر این حرکت عمومی تغلیب کنند و همان فرمولی که در روی کار آمدن نظام‌های سوسیالیستی در دنیا معمول است - یعنی انقلاب طبقه کارگر - تحقق بدهند و بعد هم یک چند نفر سر کار بیایند؛ منتها امام (ره) را محاسبه نکرده بودند؛ یعنی این گوهر خدشه‌ناپذیر شکست‌ناپذیر را در محاسباتشان ندیده بودند؛ لذا سخت ضربه خوردند.	۱۱
عدم پیش‌بینی آینده	بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی - ۱۳۸۲/۰۲/۲۲	چه زمانی آدم غافل گیر می‌شود؟ وقتی به هیچ‌وجه وقایع را پیش‌بینی و محاسبه نکرده باشد. امریکایی‌ها اتحاد گروه‌های شیعه، همراهی گروه‌های شیعه و سنی، شعارهای مردم عراق و خواست صریح حکومت مردمی و برخاسته از آرای مردم را در مقابل کارشان - که گفتند حاکم نظامی می‌گذاریم و گذاشتند و قدرت‌نمایی هم کردند - محاسبه نکرده بودند و کار، بی‌محاسبه این جوانب صورت گرفته است و چون بی‌محاسبه است، دچار ضربه خواهد شد. هر کار بی‌محاسبه‌ای همین‌طور است؛ یعنی از همان جایی که محاسبه نکردند، ضربه را خواهند خورد.	۱۲

مفهوم اولیه	تاریخ	بیانات	ردیف
عدم آینده‌نگری تحلیل اشتباه اقدامات	بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران - ۱۳۷۹/۰۹/۲۵	<p>با این قیام، تمام محاسبات دولت غاصب صهیونیست به هم ریخته است؛ چون اساس محاسبات آن‌ها بر این استوار بود که ملت فلسطین بعد از آن فشارهای اول کار و بعد از تبعید بیش از نیمی از مردم اصلی فلسطین به خارج از کشورشان و گذشتن سال‌های متمادی، دیگر حال و حوصله و عزم و نشاط و جان مقابله را نخواهد داشت. در حال حاضر این محاسبات، غلط از آب درآمده و این پایه به هم ریخته است. وقتی هزاران هزار مردمی که در خود فلسطین هستند - نه گروه‌های فلسطینی خارج از مرزهای اصلی فلسطین که در لبنان یا اردن یا جاهای دیگر هستند - مصمم باشند با آن نظام مبارزه کنند، دیگر آن فضای امنی که برای خودشان به عنوان بهشت موعود در نظر گرفته بودند و مهاجران غیرفلسطینی - یعنی یهودیان سرتاسر دنیا - را به آنجا کشانده بودند، وجود نخواهد داشت. امروز محاسبات به هم خورده است؛ لذا می‌بینید که دولتشان مجبور شد استعفا دهد.</p>	۱۳

مفهوم اولیه	تاریخ	بیانات	ردیف
<p>قیاس اشتباه شناخت اشتباه مسائل شناخت مردم شناخت نقش روحانیت در ایران بی توجهی به دین</p>	<p>بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۷۹/۰۴/۱۹</p>	<p>آن‌ها به خیال خودشان طرح فروپاشی شوروی سابق را منطبق با شرایط ایران بازسازی کردند و می‌خواهند در ایران پیاده کنند. البته در چند مورد هم دچار اشتباه شدند که این هم از الطاف الهی است.</p> <p>دشمنان ما در مواقع حساس در محاسبات خود دچار اشتباه می‌شوند. البته اینها اشتباهاتی نیست که اگر من ذکر کردم، آن‌ها بتوانند اصلاحش کنند؛ نه، اشتباه در شناخت واقعیت‌ها دارند. بر اساس این اشتباه برنامه‌ریزی می‌کنند و برنامه‌ریزی غلط از آب درمی‌آید؛ لذا موفق نمی‌شوند. آن‌ها برای دفاع از رژیم پهلوی برنامه‌ریزی کردند و با همه قدرت هم ایستادند؛ منتها در شناخت مسائل ایران، در شناخت مردم، در شناخت روحانیت و در شناخت دین اشتباه کرده بودند؛ لذا شکست خوردند. اینجا هم سرنوشتشان جز این نیست و شکست خواهند خورد.</p>	<p>۱۴</p>

مفهوم اولیه	تاریخ	بیانات	ردیف
<p>بی توجهی به ملت انتظار نادرست از دانشجویان تحلیل اشتباه از شرایط کشور ضعف در قدرت اجرای خود برآورد کمتر از واقع از قدرت جمهوری اسلامی</p>	<p>بیانات در خطبه‌های نماز جمعه - ۱۳۷۸/۰۵/۰۸</p>	<p>اولین محاسبه غلطشان، محاسبه غلط درباره ملت ایران بود. خیال کردند ملت ایران از اسلام و از انقلاب و از امام (ره) بریده است. نفهمیدند که این ملت، همان ملتی است که با اقتدار عظیم خود توانست نظام فاسدی را که امریکایی‌ها و دیگران، اطرافش هفت حصار درست کرده بودند، از داخل این کشور بردارد و آن را نابود کند.</p> <p>اشتباه دوم آن‌ها اشتباه در محاسبه دانشجویان ما بود.</p> <p>اشتباه سوم در مورد وحدت مسئولان بود. خیال می‌کردند همان شایعاتی را که پخش کرده‌اند، محقق خواهد شد؛</p> <p>اشتباه چهارمشان محاسبه جناح‌های داخلی سیاسی بود. اینها بد فهمیده بودند. دیده بودند که جناح‌ها و خط و خطوط سیاسی گاهی به هم می‌پزند؛ اما طور دیگری فرض کرده بودند.</p> <p>اشتباه پنجم آن‌ها این بود که نسبت به نیروهایی هم که برایشان کار می‌کردند، اشتباه کردند! اینها آنجا نشسته بودند و خیال می‌کردند عوامل مزدورشان توانسته‌اند یک شبکه منسجم قوی از ارادل و اوپاش درست کنند که وقتی این ارادل و اوپاش به خیابان آمدند، دیگر هیچکس جلودارشان نیست! اینجا هم اشتباه کردند؛ نفهمیدند پول‌هایی که به مزدوران خودشان داده‌اند، طبق معمول، اغلب این پول‌ها صرف عطینای خود اینها شده است!</p> <p>اشتباه ششم آن‌ها درباره دستگاه‌های عمل‌کننده بود. خیال نمی‌کردند نیروی انتظامی، یا وزارت اطلاعات، یا مسئولان گوناگونی که بخش‌های مختلف را به عهده دارند، بتوانند اینطور مقتدرانه وارد شوند.</p>	<p>۱۵</p>



مفهوم اولیه	تاریخ	بیانات	ردیف
بی توجهی به تغییر مخاطبان خود	بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش - ۱۳۷۵/۱۱/۱۸	این، نشان‌دهنده نقش بااهمیت نیروهای مسلح در کشورها هم هست. در رژیم گذشته ایران هم کم‌وبیش اینطور بود. آن‌ها حتی تصور می‌کردند که وقتی دستگاه سیاسی این کشور - که خاندان پهلوی هم جزء آن‌ها بودند - مجبور به عقب‌نشینی شود، باز کارگزاران آن‌ها در نیروهای مسلح ایران خواهند توانست منافع امریکایی‌ها را تأمین کنند. البته آن‌ها ایران و ایرانی و اعتقادات عمیق ما و اصالت ذوات و طینت‌های مردم این کشور را نشناخته و بد محاسبه کرده بودند. منظورم صحت و سقم محاسبه آن‌ها نیست؛ منظورم محاسبه عمومی بر روی نیروهای مسلح در کشورهای مختلف است. شما به کشورهایی که ارتش‌هایشان سرسپرده بیگانگان هستند، نگاه کنید، ببینید که در آنجاها چگونه عمل می‌کنند و کشورها در چه وضعیتی قرار دارند.	۱۶

مفهوم اولیه	تاریخ	بیانات	ردیف
بی توجهی به معنویت عدم امکان پیش‌بینی کامل	بیانات در دیدار جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۶۹/۱۱/۱۹	<p>امروز جوان‌ترین شما هم، تجربیات پیران کهنسال را در مقابل چشم خودش دیده است. شما مگر فروریختن یک امپراتوری را به چشم ندیدید؟ امپراتوری مادی عظیم به اصطلاح حکومت سوسیالیستی و تفکر مارکسیستی که نصف دنیا را گرفته بود، مثل کاخی از بازیچه در هم فروریخت. امروز، چیزی از آن امپراتوری باقی نیست؛ در حالی که در عرصه محاسبات، خیلی محکم بودند. محاسبات، صد درصد مادی بود و عنصر معنویت، در آن لحاظ نشده بود.</p> <p>مگر همه چیز، ماشین است که محاسباتش را بشود با ریاضیات محض و دو دوتا، چهارتا حل کرد و تمام نمود؟! آنجایی که مسأله، مسأله انسان‌ها و ایمان‌ها و ارزش‌ها و خصلت‌های نیکوست، محاسبات معنوی، دخالت فوق‌العاده‌ای دارد؛ بلکه تعیین‌کننده است. بر اساس محاسبات مادی، آن‌ها می‌بایست روز به روز قدرتمندتر می‌شدند و امروز شما می‌بینید که محاسباتشان در چه صحنه‌های خجالت‌آوری، دچار ناکامی شده است.</p>	۱۷

مفهوم اولیه	تاریخ	بیانات	ردیف
برآورد بیش از حد از قدرت خود	بیانات در دیدار میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر - ۱۳۶۹/۱۱/۱۷	امروز در خلیج فارس، تجربه دیگری است که نشان داده می شود. معلوم گردید، آن طور که ادعا می شد و امریکا خیال می کرد و ادعا و محاسبه می نمود - که مثل بسیاری از مواقع، این محاسبه هم غلط از آب در آمد- نتوانست ظرف چند روز، کارش را از پیش ببرد. چند ماه انتظار و الان هم هفته ها جنگ، معلوم می شود قدرت اینها، آن نیست که تبلیغ و وانمود می کنند؛ آن نیست که می خواهند ملت ها آن را باور کنند. اینها، ضعیف تر از این حرف هایند. بنابراین، همه ملت ها و دولت ها و کشورها، در آفریقا و آسیا و در همه مناطق دیگر عالم، حتی آنجایی که مسلمانان در اقلیت هستند، می توانند در مقابل امریکا بایستند و از تحمیل ها شانه خالی کنند.	۱۸

پس از بررسی و تحلیل بیانات، مفاهیم کلیدی جملات استخراج شده در جدول زیر نشان داده شده است.

## مفاهیم مستخرج از بیانات مقام معظم رهبری درباره خطای محاسباتی

- فهم اشتباه مسأله
- تحلیل اشتباه
- فهم نادرست از وقایع
- بی توجهی به پایگاه مردمی نظام
- پیچیده نشان دادن فرآیند تصمیم‌گیری
- اشتباه در مقایسه
- نقاط قوت را به جای ضعف در نظر گرفتن
- عدم آینده‌نگری درست
- نقش انفعالی بازیگران
- وجود مراکز تخصص برنامه‌ریزی
- غفلت از سنت‌های الهی
- بی توجهی به امدادهای غیبی
- عدم امکان پیش‌بینی تمامی ابعاد
- طراحی بهانه به جای راه‌حل
- عدم توجه به پیامدها
- حرکت‌های مردمی
- قیاس اشتباه
- غفلت از ولایت فقیه
- عدم پیش‌بینی آینده
- عدم آینده‌نگری
- تحلیل اشتباه اقدامات
- قیاس اشتباه

- شناخت اشتباه مسائل
- شناخت مردم
- شناخت نقش روحانیت در ایران بی توجهی به دین
- بی توجهی به ملت
- انتظار نادرست از دانشجویان
- تحلیل اشتباه از شرایط کشور
- ضعف در قدرت اجرایی خود
- برآورد کمتر از واقع از قدرت جمهوری اسلامی
- بی توجهی به تغییر مخاطبان خود
- بی توجهی به معنویت
- عدم امکان پیش بینی کامل
- برآورد بیش از حد از قدرت خود

با بررسی این مفاهیم، می‌توان ریشه‌های شکل‌دهنده خطای محاسباتی از دید مقام معظم رهبری را اینگونه بیان کرد:



نگاهی به مؤلفه‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد هریک از طرفین مواجهه ایران و آمریکا ذیل یک یا چند عوامل یادشده دچار اشتباهات راهبردی می‌شده‌اند. در ادامه به مکانیزم شکل‌گیری خطای محاسباتی از منظر قرآن پرداخته شده است.

## خطای راهبردی از منظر قرآن

کلمات الشیطان و الشیاطین و شیطاناً، بیش از ۹۰ مرتبه در قرآن آمده<sup>۱</sup> که در تمامی موارد از شیطان به عنوان دشمن و بدخواه انسان یاد شده است. کسانی که می‌خواهند در مقابل نفوذ شیطان بایستند، باید ابتدا این دشمن و روش‌های دشمنی‌اش را بشناسند. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «احذَرُوا عَدُوًّا نَفَذَ فِي الصُّدُورِ خَفِيًّا وَ نَفَثَ فِي الْأَذَانِ نَجِيًّا؛ پرهیزید از آن دشمنی که پنهانی در سینه‌ها نفوذ می‌کند و آهسته در گوش‌ها افسون می‌دمد» (میزان الحکمه، ج ۵). کار شیطان اغوا کردن است؛ اغوا یعنی چه؟ یعنی ایجاد اختلال در دستگاه محاسبه شما - شیطان این است دیگر - نقطه مقابل کارکرد تقوا است؛ سعی شیطان این است که شما را اغوا کند؛ یعنی دستگاه عقل را، دستگاه فطرت را، دستگاه سنجش صحیح را که در وجود انسان گذاشته شده است، از کار بیندازد؛ یعنی انسان را دچار خطای در محاسبه کند. کار تقوا نقطه مقابل است: ان تَتَّقُوا اللَّهُ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا (سوره مبارکه انفال، آیه ۲۹)، تقوا به شما فرقان، یعنی آگاهی برای جدا کردن حق از باطل را می‌دهد. در آیه شریفه دیگر: وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۸۲)؛ تقوا سبب این است که خدای متعال دریچه‌های دانش را، آگاهی را، دانایی را به روی شما باز کند.<sup>۲</sup> اگر اجزای دستگاه محاسباتی انسان را عقل (قوه فکر، فهم، تحلیل و محاسبه)، فطرت (حیا، غیرت، عزت و...)، قلب و دل (احساس و عاطفه) و نفس (اراده، ما می‌توانیم، اعتماد به نفس و...) بدانیم، ضعف و عیب در هر

1. www.hawzah.net

کدام از این اجزا می‌تواند محاسبه ما و در پی آن رفتار ما را تغییر دهد.

### • تهدید

تأثیر شیطان در دستگاه محاسبه ما، از راه تهدید و تطمیع است؛ از یک طرف ما را می‌ترساند: آیه شریفه قرآن در سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: **أَمَّا ذَلِكُمْ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**؛ در قضیه غزوه‌ای که پس از اُحد اتفاق افتاد - که آمدند شایعه کردند که دشمن آمد، پدرتان درآمد، همه چیزتان از دست رفت - پیغمبر (ص) فرمود: آن کسانی که امروز در جنگ اُحد زخمی شدند، همان‌ها شمشیر بردارند و بیایند؛ اگر هیچکدامتان هم نیایید، من تنها خواهم رفت. پیغمبر اکرم (ص) راه افتاد، کسانی که آن روز در اُحد زخمی شده بودند، شمشیر برداشتند با پیغمبر (ص) راه افتادند رفتند و دشمن را که در نزدیک مدینه - [خبر] درست بود - کمین کرده بود و قصد داشت که حمله کند به صورت غافلگیرکننده، تارومار کردند و برگشتند.

### • تطمیع (وعده)

از سوی دیگر وعده می‌دهد شیطان، وعده‌های فریبنده؛ اینجا هم آیه شریفه قرآن می‌فرماید: **«يَعِدُّهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَ مَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»**؛ وعده می‌دهد، آرزوها را در دل آن‌ها بیدار می‌کند، زنده می‌کند، یک آینده رنگی و دروغین و خیالی مثل سراب در مقابل چشم مؤمنین به خود می‌گذارد؛ **وَ مَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا**؛ اما فریب است. از یک طرف تهدید، از یک طرف تطمیع؛ مثل رفتاری که امروز آمریکا



دارد و قدرت‌های استکباری همیشه [دارند]؛ از یک طرف تهدید می‌کنند، از یک طرف تطمیع می‌کنند. تطمیع، فقط تطمیع شخصی نیست؛ تطمیع‌های کلی: «چنین می‌کنیم، چنان می‌کنیم»؛ بعد هم نمی‌کنند، دروغ می‌گویند؛ کار شیطان این است. همه این کارهایی که شیطان انجام می‌دهد- این اغوا، این تهدید و تطمیع - برای این است که دستگاه محاسباتی انسان مؤمن را از کار بیندازد تا محاسبه غلط انجام بدهد.<sup>۱</sup>

### • فریب

شیطان برای آنکه بتواند حضرت آدم (علیه السلام) را فریب دهد، در یک حرکت موزیانه و شوم، با ارائه تحلیلی باطل و دروغ، در صدد جلب توجه آدم به خویش برآمد، لذا به آدم (ع) گفت: پروردگارتان، شما را از این درخت نهی نکرده است. اگر از آن بخورید فرشته می‌شوید و یا اینکه حیات جاودانه پیدا می‌کنید: «قَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَکَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» (سوره مبارکه اعراف، بخشی از آیه ۲۰) و از طرف دیگر گفت: ای آدم، آیا می‌خواهی شما را به سوی درخت جاویدان و ملک فناپذیر هدایت کنم؟ «قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى» (سوره مبارکه طه، آیه ۱۲۰). شیطان در گام بعدی در چهره ناصح و خیرخواه ظاهر شد: «وَوَاقَسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ» (سوره مبارکه اعراف، آیه ۲۱)، در این قسمت از طرح خویش، برای اینکه اعتماد آدم ابوالبشر را کاملاً به خود جلب نماید، سوگند هم یاد کرد: که من قطعاً از خیرخواهان شما هستم.

در چگونگی فریب انسان از سوی شیطان، علامه جوادی آملی می‌فرمایند: ابلیس علیه اللعنه طبق آنچه در آیه ۱۷ سوره اعراف آمده است: «قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَا يَنبَغُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» گفت: پس بدین سبب که مرا گمراه ساختی، من هم بر سر راه راستی که آدمیان را به تو می‌رساند، می‌نشینم تا آنان را از آن منحرف سازم. آری بر آن راه کمین می‌کنم، آنگاه از پیش روی آنان و از پشت سرشان و از طرف راست و چپشان به سراغ آنان می‌روم، در نتیجه بیشترشان را شکرگزار نعمت‌های خود نمی‌یابی». شیطان در این آیات چگونگی اغوا و فریب دادن انسان‌ها را بیان می‌کند. او می‌گوید برای فریب دادن انسان یا از جلوی آن‌ها می‌آیم که مربوط به آینده و مسأله معاد است. این مسأله را با شبهه از ذهن انسان‌ها می‌برم تا درباره آن سهل‌انگاری کنند یا شبهه پیدا کنند و آن را انکار کنند. راه دومی که شیطان برای فریب دادن انسان از آن استفاده می‌کند «وَمِنْ خَلْفِهِمْ» است و می‌گوید به فکر بچه‌هایت باش! به فکر آینده باش! آینده‌نگر باش! راه سومی که شیطان انسان را فریب می‌دهد از راه «أَيْمَانِ» دین و ایمان است. شیطان از این راه می‌آید و انسان را می‌فریبد که همان چیزهایی که او می‌گوید همانی چیزی است که دین می‌گوید، انبیا گفته‌اند، این سعادت است و یمن و برکت، خیر و تمدن در این راه است. آخرین راهی که شیطان با آن انسان را می‌فریبد، «شَمَائِلِ» شهوت و امثال آن است. البته ممکن است این راه‌های شیطان در کسی جمع شود. کسی با همه یا برخی از این راه‌ها فریفته شیطان شود.<sup>۱</sup>

۱. درس تفسیر آیت الله العظمی جوادی آملی؛ ذیل آیات ۲۱ تا ۳۴ سوره مبارکه صافات.

## • در آرزو افکندن

یکی از مهم‌ترین روش‌های شیطان، کشاندن و سوق دادن انسان به آرزوهای واهی و دروغین است. «وَلَا ضَلَّٰلَتُهُمْ وَلَا مَنِّينَهُمْ وَلَا مَرْنَهُمْ»: مسلماً آن‌ها را گمراه ساخته به آرزوهای دور و دراز می‌افکنم و به آن‌ها فرمان می‌دهم (سوره مبارکه نساء، بخشی از آیه ۱۱۹).

يَعِدُّهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَ مَا يَعِدُّهُمُ الشَّيْطٰنُ اِلَّا غُرُورًا (سوره مبارکه نساء، آیه ۱۲۰) در آرزوها می‌افکند. این امر (در آرزو افکنی) صرفاً در مسائل فردی و شخصی نیست، اتفاقاً در مسائل اجتماعی و سیاسی بیشتر است که دامنه و اثراتش وسیع‌تر شود؛ مثلاً شیطان دیپلمات‌های ایران اسلامی را فریب می‌دهد که مذاکره و توافق با غرب به‌ویژه آمریکا سایه تهدید و جنگ را از سر مردم کشورتان ایران برمی‌دارد و در صورت دوستی و برقراری ارتباط و تنظیم قراردادهای متنوع، فناوری و سرمایه وارد کشور می‌شود و آنگاه ایران اسلامی به توسعه رسیده و مردم مسلمان به رفاه می‌رسند و فقر از کشور ریشه‌کن و شکوفایی علم و رعایت اخلاق محقق می‌شود. واضح است که وعده دادن و در آرزو افکندن با هم تفاوت دارند. به نظر می‌رسد (مُنِيَّةٌ: ج مَنِيٌّ؛ آرزو، آنچه که مورد آرزو قرار گیرد) وقتی است که فرد در یک توهم غرق شود؛ فرد خودش به تنهایی یا با اغوای شیطان آرزویی را در سر می‌پروراند که آن‌قدر به آن فکر می‌کند که در آن غرق شده و دستگاه محاسباتی‌اش را مختل می‌سازد.

## • تسویل و زینت دادن

در آیه ۲۵ سوره محمد (ص) آمده است: «انَّ الَّذِيْنَ ارْتَدُّوا عَلٰى اَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدٰى الشَّيْطٰنُ سَوَّلَ لَهُمْ وَاَمَلٰى لَهُمْ»؛ کسانی که پس از روشن شدن حق به آن پشت کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنها را با آرزوهای طولانی فریفته است. «تسویل» به معنای تزئین چیزی به گونه‌ای که نفس به آن راغب گردد و به معنای نشان دادن زشتی‌ها در چهره‌های زیبا آمده است. این تفسیر را راغب در مفردات بیان کرده، در حالی که از صحاح اللغه و کتاب العین خلیل بن احمد، چنین برمی‌آید که معنای اصلی آن، سستی توأم با غرور و غفلت است؛ لذا به تزئین امور و دگرگون نشان دادن اشیای نامطلوب به صورت مطلوب، به گونه‌ای که انسان در برابر آن فریفته و سست شود، اطلاق گردیده است. منظور از تسویلات شیطان در آیات قرآن این است که زشتی‌ها را در نظر انسان زیبا نشان دهد و آدمی را فریب داده و منحرف سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۰۴). «وَجَاؤْ عَلٰى قَمِيصِهٖ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا» (سوره مبارکه یوسف، آیه ۱۸)؛ پسران حضرت یعقوب (ع) گفتند ما خیلی مواظب یوسف بودیم، ولی گرگ او را خورد. پیراهن او را به دروغ به خون مرغ یا حیوانی آغشته کردند و برای او آوردند. قرآن می‌گوید: «بِدَمٍ كَذِبٍ» خون دروغین. گریه هم می‌کردند. حضرت یعقوب (ع) گفتند: این نمی‌تواند کار گرگ باشد، «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا» نفس شما چیزی را برای شما آرایش داده و این کار را زیبا کرده است تا یوسف را به چاه بیندازید؛ یعنی شیطان یا نفس شیطانی می‌تواند کار بسیار زشتی مثل کشتن یا در چاه انداختن برادر یا هر کار زشت

و گناه دیگری را زیبا جلوه دهد. پس تسویل با زینت دادن عادی فرق می‌کند. زیبا جلوه دادن مظاهر مادی و دنیوی کار شیطان است. «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لِأَزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»: شیطان گفت: پروردگارا! به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت (سوره مبارکه حجر، آیه ۳۹). این از دام‌های بزرگ شیطان است که چیزهایی را که در آن رضای خدا نیست، بیشتر جلوه می‌دهد و بیش از حدی که به‌طور طبیعی لذت دارد، در ذائقه انسان لذیذ نشان می‌دهد، چنانکه آدمی فکر می‌کند راه حرام، دلچسب‌تر است. این امر فقط به مسائل مادی (ثروت، شهوت و ...) اختصاص ندارد، امور علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را هم شامل می‌شود. «وَ زَيِّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره مبارکه انعام، آیه ۴۳).

### • تئوری‌سازی

«وَ إِنْ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَ مَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ مَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (سوره مبارکه آل عمران، آیه ۷۸): و البته از آنان (یهود) گروهی هستند که زبان‌های خود را در مقام خواندن کتاب (تورات تحریف شده، ماهرانه) می‌پیچانند تا شما گمان کنید که آن از کتاب آسمانی است، درحالی‌که از کتاب آسمانی نیست و می‌گویند: آن از جانب خداست، درحالی‌که از جانب خدا نیست و دانسته و آگاهانه

به خداوند دروغ می‌بندند.<sup>۱</sup> در واقع شیطان و کارگزارانش آنچه را قصد کرده‌اند، تئوری‌سازی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای در مورد یک مسأله زبان پیچانده و سخن می‌گویند که گویی حقیقت همین است و لاغیر. برخی مسئولان دولت یازدهم از روی کج‌فهمی و سهل‌اندیشی یا با بستن دروغ یک مطلب به کتاب خدا و رسول (ص) و رهبران انقلاب اسلامی، اجازه خدشه به آن کلام نمی‌دهند. کلمه (لَیَّ) به فتح لام و تشدید یا که مصدر فعل مضارع (یلون) است به معنای تابیدن طناب و وقتی در مورد سر و یا زبان استعمال شود، معنای غیرطبیعی کردن سر و زبان را می‌دهد. ... اولاً دروغ بستن به خدا عادت یهود است و ثانیاً این کذبی که مرتکب می‌شوند به دلیل آن نیست که امر بر ایشان مشتبه شده، بلکه حقیقت امر را می‌دانند و عالماً عامداً به خدا دروغ می‌بندند (برگرفته از تفسیر المیزان، ج ۳).

### • تلبیس

«وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (سوره مبارکه بقره، آیه ۴۲).  
«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (سوره مبارکه آل عمران، آیه ۷۱). کلمه (لَبَسَ) که فعل مضارع (تلبسون) از آن مشتق شده، به معنای القای شبهه و آرایش باطل به صورت حق و یا به عکس است، می‌فرماید: «ای اهل کتاب! چرا حق را در صورت باطل جلوه می‌دهید؟» این آیات شریفه، هشدار است به همه علما و نخبگان در هر عصر و مصر که حقایق را لبس به باطل و مشوه یا

۱. ترجمه آیت‌الله مشکینی

کتمان نکنند و با مخفی نگه داشتن واقعیت‌ها و تحریف و توجیه آن‌ها، راه ستمکاران را هموار نسازند و عامل ستم و استبداد نشوند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) درباره آغاز وقوع فتنه‌ها و اختلاف‌ها، می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ يَتَوَلَّى فِيهَا رِجَالٌ رِجَالًا فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ لَمْ يَخْفَ عَلَى ذِي حِجْبِي وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ لَمْ يَكُنْ اخْتِلَافٌ وَ لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضَعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضَعْفٌ فَيُمَزَّجَانِ فَيَجِيئَانِ مَعًا فَهَنَالِكَ اسْتَحْوَذَ الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَ نَجَا الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى»: ای مردم! آغاز وقوع فتنه‌ها، آرای باطلی است که از آن پیروی می‌کنند و بدعت‌هایی است که بر خلاف حکم قرآن گذارده می‌شود، و گروهی از مردم به دوستی گروهی دیگر و تبعیت آن‌ها در این امور می‌پردازند، اگر باطل به صورت خالص خودنمایی می‌کرد، از دیده هیچ صاحب عقلی پنهان نمی‌ماند و هرگاه حق از آمیزش به باطل، خالص می‌شد اختلافی رخ نمی‌داد، ولی بخشی از این می‌گیرند و بخشی از آن و ممزوج می‌کنند، اینجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می‌شود و آن‌هایی که توفیق الهی یارشان شده، رهایی می‌یابند» (اصول کافی، ج ۱: ۵۴).

## کارهای شیطان

۱- تهدید

۲- تطمیع

۳- فریب

۴- در آرزو افکندن

۵- تسویل و زینت دادن

۶- تئوری سازی

۷- تلبیس

← اختلال در دستگاه محاسباتی (اغوا)

اغوا (اختلال در دستگاه محاسباتی): عقل، فطرت (عزّت، غیرت)، احساس (عاطفه)، اراده (ما می توانیم)

↔ اغوا (اختلال) ↔ تقوا مقابلش



## آمریکا: شیطان بزرگ

چرا امام راحل (ره) فرمودند آمریکا شیطان بزرگ است؟ این یک حرف بی اساس نبوده بلکه ریشه قرآنی دارد. از تمام اقوامی که اوصاف و عملکردشان در تاریخ آمده، هیچ جامعه و دولتی را پیدا نمی‌کنید که دروغ‌گوتر از آمریکا باشد. دنیا را پر کرده از اینکه ما طرفدار حقوق بشر هستیم. هر کسی را می‌خواهد زیر یوغ خودش بکشد. ارزش‌های خودش را می‌خواهد بر همه تحمیل کند. شما در طول تاریخ ببینید هیچ کسانی به اندازه آمریکایی‌ها حقوق بشر را پایمال کرده‌اند؟ یک نمونه‌اش کاری است که درباره فلسطینی‌ها کردند. در کشور خودشان هم وضع بهتر نیست. چندی پیش گروهی در آمریکا تشکیل شد که بنا داشتند علیه حکومت فعالیت کنند. آمریکایی‌ها تلاش کردند که این‌ها را به اصطلاح رام کنند، اما نتوانستند. مردم مصممی بودند که تصمیم گرفته بودند با ظلم‌های آمریکا مخالفت کنند. آمدند یکجا همه‌شان را سوزاندند، بعد هم اینگونه منعکس کردند که اینها یک فرقه مذهبی بودند و عقیده‌شان این بوده که باید خودکشی کنند.<sup>۱</sup> بعد از سقوط رژیم پهلوی در ایران، آمریکا به ترکیه وعده داد که اگر با ما همکاری کنی، ما تو را امپراتور کشورهای اسلامی می‌کنیم. پایگاه‌های آمریکا از ایران به ترکیه منتقل شد. نقشی را که شاه بازی می‌کرد، دولت ترکیه به عهده گرفت. در

---

۱. در زمان دولت همین حزب دموکرات، در زمان ریاست جمهوری شوهر همین بانویی که حالا اظهار نظر می‌کند، هشتاد و چند نفر از وابستگان فرقه داوودی را زنده زنده در آتش سوزاندند. اینکه دیگر جای انکار نیست. همین حضرات، همین دموکرات‌ها این کار را کردند. فرقه داوودی‌ها به قول خودشان دیویدی‌ها - به دلیلی مورد غضب دولت آمریکا قرار گرفتند و به منزلی رفتند و در آنجا متحصن شدند. هر چه کردند، بیرون نیامدند. اینها خانه را آتش زدند و هشتاد تا مرد، زن، بچه تو این خانه، زنده زنده سوختند (بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در نماز جمعه؛ ۱۳۸۸/۰۳/۲۹).

مقابلش به ترکیه چه دادند؟ آنچنان ذلیلش کردند که یک چنین دولتی با این ویژگی‌ها و قدرت‌ها باید دست‌گذاری به اسرائیل دراز کند. برای تعمیر تانک‌هایش باید برود به اسرائیل در یوزگی کند که تانک‌هایش را اسرائیل تعمیر کند. این وعده‌ای است که آمریکا می‌دهد این هم نتیجه‌اش. حالا اگر کسانی گول آمریکا را بخورند، چه کسی را ملامت کنند؟ آمریکا را ملامت کنند؟ مثل ابلیس جواب خواهد داد: «فلاتلومونی و لوموا انفسکم»؛ مرا ملامت مکنید، خودتان را ملامت کنید (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۹۷).

## هدف دشمن استکباری: اختلال در دستگاه محاسباتی مسئولان کشور اسلامی

ما امروز در محاسباتمان نباید دچار اشتباه بشویم؛ نگذارید دشمن در دستگاه محاسباتی شما اثر بگذارد؛ نگذارید اغوا کند؛ نگذارید تطمیع او یا تهدید او اثر بگذارد. امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار - که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوت ادامه دارد - همان نبرد پیامبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمان‌های بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک‌چنین حرکتی مخالفند. [بنابراین] کارشکنی می‌کنند، اذیت می‌کنند، تهدید می‌کنند؛ در عین حال با همه زرق و برقی که آن جبهه مقابل دارد و جلال ظاهری و توانایی‌های مادی‌ای که دارد، این حرکت الهی و حرکت پیامبرانه راه خودش را دارد ادامه می‌دهد و پیش می‌رود، اثر می‌گذارد، روزبه‌روز توسعه پیدا می‌کند، روزبه‌روز عمق پیدا می‌کند. آنچه ما امروز در مجموعه رفتار

دستگاه استکبار مشاهده می‌کنیم، همین است؛ هدف ایجاد اختلال در نظام محاسباتی و دستگاه محاسباتی من و شما است. در میدان‌های دیگر، استکبار نتوانسته است، کاری از او برنیامده است.<sup>۱</sup>

## ارتباط جنگ نرم دشمن و روش اختلال در دستگاه محاسباتی

حالا که کاری در میدان واقعی نمی‌تواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبه طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را؛ این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماس‌های گوناگون دنبال می‌کنند؛ می‌دانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدف‌های خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر «خواست»، می‌تواند؛ می‌خواهند کاری کنند که نخواهد. امروز تلاش دنیای استکبار و در رأس آن‌ها آمریکا است و این همان جنگ نرمی است که ما از چند سال قبل از این درباره آن بحث کردیم، حرف زدیم؛ دیگران هم گفته‌اند و نوشته‌اند و بحث کرده‌اند.<sup>۲</sup> توضیح اینکه معنای قریب جنگ نرم انجام خواست و هدف دشمن بدون اجبار فیزیکی و زور است. چه وقت این غایت برای دشمن میسر است و خیالش از بابت تحقق آن راحت خواهد بود؟ وقتی که دستگاه محاسباتی مسئولان کشور هدف مختل شده باشد. در صورت اختلال در دستگاه محاسباتی، حتی اگر تهدید و تطمیعی هم در کار نباشد،

۱. بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶.

۲. همان

خواست دشمن انجام می‌شود. این همان معنای غریب و پشت‌پرده جنگ نرم است. مسئولانی که باور کرده باشند چاره‌ای جزء کنار آمدن با آمریکا و یا به عبارت بهتر، باج دادن به آمریکا وجود ندارد، از دو حال خارج نیستند؛ یا فکرشان تحت تأثیر القائات دشمن قرار گرفته است و یا از تهدیدات دشمنان (اعمّ از تحریم یا حمله نظامی) هراس دارند؛ از این رو توجیه می‌کنند و می‌گویند باید تعامل برد - برد داشته باشیم؛ البته از ابتدا نیز می‌گویند که توقع بی‌جا نباید داشت، چرا که معامله برد - برد بوده و آن‌ها نیز باید برد داشته باشند! آن‌ها معتقدند که چهل سال دشمنی کرده‌ایم، چه فایده‌ای داشته است؟ مگر قدرت آن‌ها را نمی‌بینید که به راحتی نفت ۱۱۰ دلار را به ۳۰ دلار می‌رسانند؟ لذا چاره‌ای جز تسلیم و سازش نداریم؛ و اگر چهل سال است احساسی برخورد کرده و دشمنی کرده‌ایم، اشتباه بوده است! در واقع اصل مطلب همین است، اما اسم آن را معامله برد - برد گذاشته‌اند... کوتاه آمدن در برابر دشمن، گاه به خاطر ترس از تهاجم و تحریم دشمن است که انگیزه افراد را برای مقاومت تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ ... لذا گاهی این ترس در سخنان برخی نیز کاملاً مشخص است و مثلاً می‌گویند اگر این برجام و مذاکرات نبود، امروز جنگ شده بود!

این جمله تکراری که گوش با آن بسیار آشناست، «اگر برجام نبود، جنگ قطعی بود»، مصداق امروزی این فراز از آیه ۵۲ سوره مائده است که فرمود: «يَقُولُونَ نَحْنُ الْمُنْصَرِفُونَ»؛ «آن‌ها که در دل بیماری نفاق داشته و در دوستی دشمن شتاب می‌ورزند می‌گویند می‌ترسیم حادثه بدی به ما برسد».

- آقای مجید انصاری، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور در مراسم تجلیل از معلمان نمونه شهرستان اسلامشهر و چهاردانگه از دستاورد جدید برجام رونمایی کرد! وی در آن مراسم گفت: در دیدار آقای روحانی با رئیس‌جمهوری فرانسه، ایشان به آقای دکتر روحانی گفتند تصمیم ما برای حمله به ایران قطعی بود، ولی برای زمان آن تردید داشتیم و انتخابات ریاست جمهوری و توافق هسته‌ای سایه جنگ را از سر ایران برداشت.<sup>۱</sup>

- آقای روحانی نیز در یک سالگی امضای برجام و در جلسه هیأت دولت می‌گوید که اگر عملکرد او و تیم مذاکره‌کننده‌اش نبود و برجام به بار نمی‌آمد، به ایران حمله نظامی می‌شد! یعنی برجام که قرار بود باعث لغو تحریم‌ها و بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه شود؛ اگر هم تا حالا نشده حداقل سایه جنگ را که از سر کشور دور کرده است.<sup>۲</sup>

-دکتر ولایتی، رئیس مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام، در برنامه تلویزیونی «متن، حاشیه» که از شبکه سوم سیما یکشنبه ۱۶ آبان ۱۳۹۵ پخش شد، گفت: باید مذاکره به همان صورتی که رهبری ترسیم کردند انجام می‌شد؛ زیرا نظام طرفدار مذاکره بود، چه در دولت قبلی و چه در این دولت، و اگر این مذاکرات انجام نمی‌شد، گزینه دیگر جنگ بود.

1. <http://dolat.ir>

2. <http://alef.ir>

- حجت‌الاسلام علی یونسی، دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی در مصاحبه مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۰۶ با خبرگزاری فارس گفت: دولت اولویت اصلی‌اش حل مسأله و خصومت هسته‌ای و برقراری برجام بود و البته در جای خود، کار بسیار بزرگی از جهات گوناگون اقتصادی، فرهنگی و نظامی و امنیتی بود. مهم‌ترین اثر برجام دفع خطرات احتمالی جنگ بود که سایه شوم جنگ را از سر کشور برداشت، چرا که تندرهای آمریکایی که زیر نفوذ اسرائیل عمل می‌کنند و رقبای منطقه‌ای ما مانند سعودی به دنبال این بودند که به بهانه مسأله هسته‌ای، شرایط را آنقدر برای ما تنگ و پرهزینه کنند تا بهانه‌ای برای حمله به ایران فراهم شود.<sup>۱</sup>

- دکتر ظریف، وزیر امور خارجه و مسئول اصلی مذاکرات هسته‌ای در دولت یازدهم هم در پاسخ به سؤال دانشجویی در دانشگاه تهران گفت: «غربی‌ها از چهار تا تانک و موشک ما نمی‌ترسند. آیا شما فکر کردید امریکا که با یک بمبش می‌تواند تمام سیستم دفاعی ما را از کار بیندازد، از سیستم دفاعی ما می‌ترسد؟ آیا واقعاً به خاطر قدرت نظامی ماست که امریکا جلو نمی‌آید؟»<sup>۲</sup> چنین کلامی یعنی تحت تأثیر قدرت سخت‌ونرم دشمن قرار گرفتن و فراموشی قدرت معنوی ایران اسلامی. دکتر ظریف در مصاحبه با پی. بی. اس نیوز نیز گفتند: «مردم ایران نامزدی را در انتخابات ریاست‌جمهوری انتخاب کردند که به احترام و تعامل اعتقاد داشته و دارد. این علت حضور ما در پای میز مذاکره است. پیشنهاداتی که ما ارائه کرده‌ایم و امکانات و

1. <http://www.farsnews.com>

2. <http://www.rajaneews.com>

گزینه‌هایی که ارائه کرده‌ایم، دقیقاً همان گزینه‌هایی هستند که هشت یا ده سال قبل به جامعه جهانی ارائه کردیم، اما جامعه جهانی نتوانست اهمیت این پیشنهادات را درک کند. بعد جامعه جهانی به علت از دست رفتن این فرصت متأسف شد. اکنون آن‌ها فرصت دیگری در اختیار دارند.<sup>۱</sup> کلام دکتر ظریف مبنی بر اینکه جامعه جهانی فرصت گذشته ده سال پیش را از دست داده به‌گونه‌ای که موجب تأسفش شده و فرصت کنونی را دریابد، اگر به‌عنوان یک تاکتیک برای فریب دشمن بر زبان آورده شود تا حدودی قابل پذیرش است، اما اگر حاکی از نوعی علاقه و اعتماد به غرب باشد، بوی دلدادگی و وابستگی فکری می‌دهد و اقناع درونی به اینکه آمریکا و غرب پیشرفته بالاخره کدخدای جهانند و برای پیشرفت کشور حتماً باید با آن‌ها تعامل و سازش داشت. پس ابتدا وابستگی فکری و درونی و اختلال در دستگاه محاسباتی صورت می‌گیرد که نمود بیرونی‌اش انجام اعمال و بیان گفتار منافی استقلال و عزت است، بعد دشمن برای ضربه و نفوذ امیدوار شده و اقدام می‌کند.

مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی بهجت می‌فرمود: کفار و استعمارگران در دروغ گفتن و فریب دادن ماهرند و ما در فریب خوردن. فرض کنید تطمیع و تهدید در ما اثر نکرد، فریب خوردن چطور؟ به خدا پناه می‌بریم! ما که معصوم نیستیم، مگر از طرف خدا الهام و هدایت شویم. خدا می‌داند کفار چه زحمت‌هایی می‌کشند تا دروغ و افترا به‌جای راست و درست در رسانه‌ها تحویل دهند و هر روز با وسایلی و نقشه‌هایی

1. <http://fararu.com>

علیه مسلمانان به میدان می آیند، غافلان، آگاه نشوند. ما هم اول باور نمی کردیم، ولی بعد دیدیم آسان است. دولت انگلیس شخصی را اجیر کرده بود تا در بازار کرمانشاه به انگلیس فحش و ناسزا بدهد، تا بدین وسیله دشمن های انگلیس را بشناسد و از کارهای آنها مطلع گردد و اسرار دشمنان خود را کشف کند. آری، کفار تا به این درجه برای کار خود فکر می کنند (رخشاد، ۱۳۸۵: ۱۳۲).

با توجه به بیانات صریح امام خامنه ای (مدظله العالی) در خصوص مردود بودن توافق مبتنی بر تعلیق تحریم به جای لغو و تأکید، ایشان بر تناظر اقدامات طرفین (اگر تعلیق کنند، ما هم تعلیق می کنیم)، سؤال این است چرا تیم مذاکره کننده این امر را پذیرفت؟ اجبار، سازش یا فریب کدام اتفاق افتاده است؟ گرچه تیم مذاکره کننده ایران رفع تحریم ها در لوزان و برجام را به صورت «لغو» تفسیر کرد، اما واقعیت این عوام فریبی در بیانات بی پرده «کریس بک مایر» متخصص تحریم و نماینده وزارت خارجه آمریکا در مذاکرات هسته ای در اندیشکده CSIS بیان شد: «فاز اول کاهش تحریم ها که ما به آن «روز اجرا» می گوئیم، زمانی است که ایران همه تعهدات خود را انجام داده باشد. در روز اجرا گام هایی برای تعلیق تحریم ها بر خواهیم داشت. گرچه در متن توافق نوشته شده «توقف اجرا»، اما این فقط عبارتی جایگزین برای همان مفهوم تعلیق است. آنچه که ما واقعاً انجام خواهیم داد، این است که با استفاده از اختیارات تعریف شده توسط کنگره برای رئیس جمهور تحریم ها تعلیق می شود. فاز دوم که در واقع باید لغو تحریم ها صورت گیرد، ۸ سال بعد است. در آن زمان است که نیاز به اقدام کنگره برای لغو تحریم های کنگره وجود دارد. از آن جا که اختیار لغو کنگره، دست کنگره است و ما این



را می‌دانیم، ما متعهد به لغو تحریم نشدیم و صرفاً تعهد دادیم که دنبال لغو از مسیر قانونی باشیم. به این ترتیب دست‌کنگره باز است و آن‌ها نظر خود را دارند که بتوانند لغو کنند و یا نکنند (خلاف توافق نیست). رفع تحریم‌ها در شورای امنیت و اروپا نیز مثل آمریکا است (در دو مرحله تعلیق می‌شود). بخشی از تحریم‌های اروپا در فاز اول (روز اجرا) تعلیق می‌شود و بخشی نیز باقی می‌ماند. در روز اجرا شورای امنیت قطعنامه‌های قبلی خود را لغو می‌کند، اما تحریم‌های مهمی را که مدنظر ما بود، نگه می‌دارد که شامل تحریم‌های موشکی، تسلیحاتی و اقلام هسته‌ای و دو منظوره است. روز اجرا یک زمان مشروط است؛ مشروط به انجام تعهدات ایران. توپ در زمین ایران است. برآورد ما این است که بین ۶ تا ۱۲ ماه زمان می‌برد تا ایران تعهدات خود شامل کاهش ۹۸ درصدی ذخائر، برچیدن دوسوم سانتریفیوژها و اجرای پروتکل الحاقی و اجازه به دسترسی به ابعاد نظامی هسته‌ای را فراهم آورد. اگر این امتیازات بزرگ را داد، آن وقت امتیاز بزرگ کاهش تحریم‌ها را خواهیم داد.<sup>۱</sup>

رئیس سازمان انرژی اتمی، علی‌اکبر صالحی که صبح یکشنبه ۱۹ مهرماه ۱۳۹۴ در مجلس شورای اسلامی در دفاع از برجام جملاتی را بر زبان راند که به نظر می‌رسد ایشان در رؤیای تحقق وعده‌های برجام چنان غرق شده که با ذکر قسم جلاله مدعی است برجام و تعهدات آن توقف و تعللی در برنامه هسته‌ای ایران به وجود نمی‌آورد! «اینجا دارم شهادت می‌دهم، وقتتان را بیشتر از این نمی‌گیرم، والله، والله، والله (با اجرای برجام) در

مسائل هسته‌ای نه با کندی روبه‌رو خواهیم شد، نه با توقف، تحقیقاتمان سر جایش خواهد بود، غنی‌سازیمان خواهد بود، غنی‌سازی را اجرا خواهیم کرد». سخنان صالحی درباره‌ی کندنشدن فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران پس از اجرای برجام و همچنین سر جا ماندن تحقیقات هسته‌ای و کندنشدن غنی‌سازی، در حالی بیان می‌شود که توجه به متن برجام نشان می‌دهد واقعیت کاملاً چیز دیگری است و بر اساس متن برجام محدودیت‌های جدی در حوزه تحقیق و توسعه و غنی‌سازی وجود دارد.<sup>۱</sup> وقتی برنامه هسته‌ای ایران نه با کندی مواجه می‌شود و نه با توقف، پس توافق بر سر چه چیزی انجام شده و آمریکایی‌ها از چه خوشحال‌اند؟! درست این است که نه تنها شتاب رشد برنامه هسته‌ای ایران گرفته شده، بلکه برنامه هسته‌ای ایران حداقل به ۶ سال پیش خواهد رفت. کاهش شدید تعداد سانتریفیوژها از ۱۹ هزار به ۵ هزار، کاهش کیفیت سانتریفیوژها از سانتریفیوژهای نسل هشتم به سانتریفیوژهای نسل اول که سبب کاهش و کندی سرعت غنی‌سازی می‌شود، کاهش ذخایر اورانیوم از ۸ هزار کیلوگرم به ۳۰۰ کیلوگرم، کاهش سطح غنی‌سازی از ۲۰ به ۳/۵ درصد، تبدیل ماهیت رآکتور اراک و جلوگیری از تکمیل و راه‌اندازی آن، بازرسی‌های بی‌سابقه و به قول یوکیا آمانو یک رژیم ویژه بازرسی از ایران که تاکنون در هیچ کشوری صورت نگرفته و ده‌ها تعهد دیگر باعث شده مقامات آمریکایی صراحتاً اعلام کنند برجام دستاوردهایی برای آمریکا داشته که آن‌ها در صورت آغاز یک جنگ علیه ایران نیز به این دستاوردها نمی‌رسیدند!<sup>۲</sup>

1. <http://www.rajanews.com>

2. <http://www.snn.ir>

اواخر اردیبهشت سال ۹۴ خبری در رسانه‌ها منتشر شد مبنی بر اینکه کشتی حامل کمک‌های بشردوستانه ایران برای مردم مظلوم یمن طی تماس وزیر خارجه آمریکا با آقای ظریف مقصد خود را عوض کرده‌است: با وجود تأکید مقامات ارشد ایران در خصوص حرکت کشتی نجات به سمت یمن و عدم اجازه ایران برای بازرسی از آن، روز گذشته اعلام شد کشتی حامل کمک‌های ایران برای بازرسی توسط سازمان ملل به سمت جیبوتی تغییر مسیر داده است. شنیده شده طی روز گذشته کری، وزیر امور خارجه آمریکا چندین بار با محمدجواد ظریف، وزیر خارجه برای تغییر مسیر کشتی نجات ایران به جیبوتی تماس تلفنی گرفته است.

از جزئیات این ارتباط تلفنی خبری منتشر نشده و معلوم نیست آیا آمریکا، ایران را تحت فشار قرار داده است یا خیر.<sup>۱</sup> تنها به فاصله دو ماه بعد، در جلسه سؤال و جواب کری در شورای روابط خارجی آمریکا مسأله روشن شد؛ «چند ماه پیش که یک محموله از سوی ایران راهی یمن بود، خیلی زود با همتای خود تماس گرفتم و گفتم که این امر می‌تواند باعث یک رویارویی جلدی شود و ما آن را تحمل نمی‌کنیم. وی نیز در مدت‌زمانی بسیار کوتاه با من تماس گرفت و گفت قرار نیست این محموله به زمین برسد یا از آب‌های بین‌المللی خارج شود و بعد راهی کشور خودشان شود».<sup>۲</sup> دیپلماسی ضعیف و منفعل دولت یازدهم نه تنها در یاری مردم مظلوم یمن اقدامی علیه دولت سعودی و آمریکا انجام نداد، بلکه از رسیدن کشتی کمک‌های بشردوستانه سایر نهادهای کشور به یمن جلوگیری کرد.

1. <http://www.afkarnews.ir>

2. <http://www.rajanews.com>

زشتی و قباحت پذیرفتن دستور و نهی جان کبری از سوی ظریف با چه تحلیلی قابل بیان است، جزء اینکه شیطان این عمل غیردینی و غیرانسانی را در نظر او زیبا ساخته است. بی شک بهانه و توجیهش هم تلاش برای حفظ منافع ملی و اوهامی چون در خطر بودن ملت ایران از سوی آمریکا یا ممانعت از رفع تحریم‌ها و تأخیر در توسعه کشور است.

## تئوری سازی

برخی از مسئولان و نخبگان سیاسی در دولت یازدهم دو داستان صدر اسلام را به گونه‌ای کنار هم قرار می‌دهند که تلقین کنند که این بیان و نتیجه‌گیری عین معارف اسلامی است. همین کار در مورد کلام امام راحل و رهبر انقلاب انجام می‌شود. این کار الگوبرداری از روش تئوری‌سازی شیطانی است و لو اینکه خود فرد متوجه نباشد (جوری زبان‌بازی می‌کنند که حقایق کلاً چیز دیگری دیده شوند و جالب اینکه برای قبول شدن از سوی مردم آن را به خدا و کتاب آسمانی، رسول الهی و رهبران جامعه می‌بندند) این کار را شیطان القا می‌کند و در دامن نخبگان می‌ریزد تا با آن مردم را فریب دهند. پیچش زبان و تکان سر، در آن زمان ساده بوده، ولی امروزه مدرن شده است.<sup>۱</sup>

– امام خامنه‌ای (دام ظلّه‌العالی) فرمودند: کسانی که برای تئوریزه کردن سازش، تسلیم و اطاعت مقابل زورگویان، نظام را به جنگ‌طلبی متهم می‌کنند، خیانت می‌کنند.<sup>۲</sup>

۱. برگرفته از جلسه تفسیر قرآن استاد قاسمیان، ۲۹ بهمن ۹۴.

۲. دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳/۰۳/۰۴.

- حسن روحانی، رئیس دولت یازدهم در مورخ ۱۹ بهمن ۹۴ در مراسم تجلیل از دست‌اندرکاران برجام چنین گفت: «می‌گویند با برجام دولت برای ملت رفاه بیاورد، مگر ما برجام را آورده‌ایم؟ ما خادم مردم هستیم، برجام را خدا آورد ... پیروزی ملت اراده حق بوده و همان خدا هم برای ملت سربلندی بیشتر و رفاه بیشتر خواهد آورد»<sup>۱</sup>. برجام را موهبتی الهی بیان می‌کنند که کسی به نقاط ضعف و رخنه‌هایش اصلاً فکر نکند؛ گویی مخالفان برجام با الطاف الهی نسبت به ملت و کشور مشکل دارند.

- تئوری سازی می‌شود که کسی دیگر در ۱۳ آبان هم مرگ بر آمریکا نگوید. مسأله از آنجا آغاز شد که در کتاب خاطرات آقای هاشمی با نقل چند اظهارنظر از رهبر کبیر انقلاب این موضوع که امام (ره) موافق حذف شعار مرگ بر آمریکا بودند، مطرح می‌شود. بنابر گزارش خبرگزاری فارس، با نگاهی به خاطرات هاشمی مشخص شد که وی در بخش‌هایی از خاطرات خود موضوع حذف شعار مرگ بر آمریکا و بررسی‌های صورت گرفته در این باره را مطرح و البته تصریح می‌کند که امام (ره) نیز با این تصمیم موافق، ولی منتظر فرصت مناسب بودند. پس از انتشار این اظهارنظر که با توجه به شرایط پیش روی کشور و ذوق زدگی برخی رسانه‌ها پس از مذاکره تلفنی رؤسای جمهور ایران و آمریکا، واکنش‌های فراوانی را به همراه داشت، هاشمی با یادآوری حذف شعار «مرگ بر آمریکا» و با تأکید بر اینکه مطلب نقل شده از امام (ره) درباره حذف شعار مرگ بر آمریکا صحیح است، گفت: «تمام مطلب

1. <https://www.tasnimnews.com.19/11/1394/>

همان بود که نوشته بودم. الان هم دقیقاً یادم نیست که چه نوشتم. به هر حال موافق نبودیم که در مجامع عمومی مرگ کسی را شعار دهیم؛ مثلاً در اجتماعات ما «مرگ بر بنی‌صدر» شعار داغ مردم بود که در نماز جمعه خواهش کردم که نگویند. «مرگ بر بازرگان» بود که خواهش کردم نگویند. «مرگ بر شوروی» بود که گفتم الان با شوروی مشکل آنچنانی نداریم. درباره آمریکا هم گفته بودم. من ذاتاً با حرف‌های تند و فحاشی‌ها مخالفم و آن‌ها را مفید نمی‌دانم. البته هاشمی برای اینکه محکم بودن مطالب مطرح‌شده خود در کتابش را اثبات کند، به صورتی هدفدار در پاسخ به این سؤال که آیا کتاب‌های شما هم ممیزی می‌شود یا خیر؟ پاسخ می‌دهد: «به سه جا می‌دهیم؛ یکی به وزارت ارشاد می‌دهیم. البته آن‌ها باید بگویند موافقم یا مخالف که می‌گویند موافقم و چیز دیگری نمی‌گویند و دخالت نمی‌کنند. یکی هم به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) می‌دهیم تا اشاراتی یا بیاناتی که از امام (ره) آمده با مستندات تطبیق داده شود. یک نسخه را هم قبل از چاپ به رهبری می‌دهم. هدفم این است که به دلیل آنکه ایشان در همه کارها با من شریک بودند تا اگر در موردی اشتباه کردم یا توضیحات اضافی لازم است به من بگویند.»

امام (ره) در پاسخ به هاشمی چه می‌گویند؟ اما در این میان شاید روشن‌ترین موضع درباره شعار «مرگ بر آمریکا» از سوی شخص امام (ره) گرفته شده باشد؛ اظهار نظرهایی که در سال‌های پایانی عمر با برکت ایشان نقل شده مشخص می‌کند رهبر کبیر انقلاب اسلامی چه نظری درباره آمریکا و شعار علیه آن داشته‌اند. امام خمینی (ره) در پیامی به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه در ۲۹ تیر ۱۳۶۷ با اشاره به

ادعاهای آل سعود برای توجیه کشتار حج گزاران، در اظهارنظری که نشان از برنامه راهبردی جمهوری اسلامی برای برداشتن نقاب از چهره ننگین آمریکا است، تصریح می کنند: از خدا می خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ بر آمریکا و شوروی را به صدا درآوریم.<sup>۱</sup>

- مسئولان اصلی در مذاکرات و دیپلماسی هسته‌ای (روحانی، ظریف و عراقچی) به گونه‌ای سخن می گویند که برجام را به رهبری نسبت دهند تا اگر خطایی شده باشد، ایشان را هم در خطای خود شریک کنند. در مراسم روز دانشجوی سال جاری، رئیس دولت یازدهم تأکید کرد تیم مذاکره کننده هرآنچه را که مدنظر رهبری بوده، در مذاکرات دنبال کرده است. «ما هیچ قدمی در مسأله برجام برنداشتیم، مگر آنکه با مقام معظم مشورت کرده باشیم، با ایشان بارها جلسه گذاشتیم، نامه‌های مکتوب ایشان و دستوراتی که من بر روی آن‌ها خطاب به تیم مذاکره کننده نوشتیم، وجود دارد. نامه‌ای نبوده که ایشان بنویسند و من دستور قاطع ندهم. ممکن است ۱۰۰٪ مورد نظر ما اجرا نشده باشد و جایی کم و کسر آورده‌ایم، ولی مبنا این بوده که دستورات ایشان اجرا شود».<sup>۲</sup>

- حجه الاسلام حمیدرسایی، نماینده سابق مجلس در این باره نوشت: درست است که روحانی می گوید در طول مذاکرات هسته‌ای تمام مراحل را با مقام معظم رهبری

1. <http://www.farsnews.com>

2. <http://www.saat24.com>

هماهنگ کرده و تمام مکاتباتش موجود است، اما او رویکرد و نگاه خودش در برجام را پیگیری کرده و انجام داده و مهم‌ترین سندش نامه مقام معظم رهبری است که برجام ایران و امریکا را تفکیک کردند و در حال حاضر آقای روحانی از برجام امریکا حمایت می‌کند. در حال حاضر با دو برجام در کشور مواجه‌ایم: برجام امریکا و برجام جمهوری اسلامی. برجام امریکا همان چیزی است که امروز در حال انجام است و برجام ایران نامه رهبری مشروط به فرمان ۲۷ مهر ۹۴ رهبری است که تا کنون اجرا نشده است.<sup>۱</sup>

- دکتر علی باقری، عضو سابق تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، در مراسم روز دانشجو ۱۳۹۵ در دانشگاه فردوسی مشهد در پاسخ به این ادعا که برجام با هماهنگی رهبر انقلاب اسلامی نهایی شده است، گفت: برجام محصول رویکردی است که «عاشورا» را نماد «مذاکره» می‌داند، اما تفکری که «عاشورا» را مظهر «مبارزه» می‌داند، از چنین اتهامی مبرا است.

- رئیس‌جمهور در همایش هفته قوه قضاییه سال ۱۳۹۴ با اشاره به سیره برخورد امیرمؤمنان (ع) با مخالفان گفت: «قبل و پس از انقلاب همواره یکی از فخرهای ما پیروی از شیوه حکومتی مولایمان، امیرمؤمنان (ع) بود که چگونه با مخالفین رفتار کرد و چگونه آن‌ها که تا دست به شمشیر نبردند، از آزادی‌های متنوعی در جامعه مولایمان امیرمؤمنان (ع) برخوردار بودند. رفتار امیرالمؤمنین (ع) با مخالفین و با خوارج که تندترین زبان‌ها

1. <http://www.mashregnews.ir>



را داشتند و بدترین شیوه‌ها را عمل می‌کردند، زبان نرمی بود و باید ببینیم که مولای ما چگونه عمل می‌کرد. آیا می‌توانیم از سیره پیامبر عظیم‌الشان اسلام و امیرالمؤمنین و روایاتمان به خوبی این تفکیک را انجام دهیم تا در فعالیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، مردم آینده‌ای بس روشن را پیش چشم خود ببینند.<sup>۱</sup>

هر چند این اظهارات و تأسی به شیوه بزرگان دینی در برخورد با مخالفان بارها و بارها از سوی موافقان رفع حصر سران فتنه مطرح گشته و هر بار نیز با پاسخ‌های مستدل تاریخی روبه‌رو گشته، اما این بار نیز آقای حسن روحانی با ادبیاتی کنایه‌آمیز در همایش هفته قوه قضاییه سخن از نرم‌خویی با مخالفان برانداز نظام به زبان می‌آورد. آقای روحانی بداند، آنچه که از رأفت مولای متقین در جریان‌های متعدد تاریخی نام برده می‌شود، در حق کسانی بوده است که با هدایت سران منحرفین اغفال شده و آلت دست قرار گرفته و فریب خورده‌اند، نه در حق آنانی که خود عامل، محرک و هدایت‌کننده توطئه‌ها و خباثت‌ها در حق حکومت اسلامی بوده‌اند و رهبری براندازی را بر عهده داشتند.

استاد رجبی دوانی، یکی از کارشناسان مبرز مسائل تاریخی است که به این تحریف‌ها همواره واکنش نشان می‌دهد: حکم جرائم عایشه اعدام بود، اما امام علی (ع) به حرمت همسری پیامبر (ص) و مصلحتی بالاتر، او را محاکمه نکرد، بلکه در حصر قرار داد. امام علی (ع) به عایشه گفت باید به مدینه بازگردد و در خانه‌ای که پیامبر (ص)

1. <https://www.tasnimnews.com/07/04/1394>

تعیین کرده است تا دم مرگ در آن باشد؛ این یعنی حصر. حضرت (ع) ۴۰ خانم اهل بصره را دستور داد که لباس مردانه بپوشند و صورت‌های خود را بپوشانند و او را از بصره به مدینه ببرند و حق ندارند از آن شهر بیرون بیایند و همان‌جا باید بمانند و الحق تا آخر خلافت امیرالمؤمنین (ع) ما دیگر تحرکی از عایشه بر ضد امیرالمؤمنین (ع) نمی‌بینیم. کسی که فتنه‌انگیزی می‌کند و این فتنه را تا مرحله براندازی می‌کشانند، حکم او سرکوبی و قتل است، مگر رهبر جامعه اسلامی مصلحتی ببیند و به‌خاطر آن مصلحت حکم الهی را بر او جاری نکند. شاید برخی سیاسیون تحت فشار باشند و به برخی امیدواری‌هایی را در مورد سران فتنه بدهند، اما من خواهش می‌کنم از سیره اهل بیت خرج نکنند.<sup>۱</sup>

آقای روحانی بسیار قاطعانه در فواصل مختلف پیش از امضای برجام و پس از آن، با بیان‌های متفاوت چنان سخن از رفع تحریم‌ها بر زبان راندند که بسیاری از مردم باور کنند و مذاکرات را تلاشی برای رفع تحریم‌های ظالمانه و نه اثبات حقوق هسته‌ای ایران معرفی کردند: «ما هیچ توافقی را امضا نخواهیم کرد مگر آنکه در اولین روز اجرای توافق، تمامی تحریم‌های اقتصادی همان روز لغو شود».<sup>۲</sup> «اصلاً اگر آن‌ها بگویند حق ایران را به رسمیت می‌شناسیم، توهین به ماست. تمام این مذاکرات هم برای این است که تمام این موانعی که به ناحق پیش پای این ملت گذاشته شده و

1. <http://www.jahannews.com>

۲. سخنان رئیس‌جمهوری در مراسم روز ملی فناوری هسته‌ای ایران، ۲۰ فروردین ۱۳۹۴: [www.entekhab.ir](http://www.entekhab.ir)

تحریم‌های ظالمانه و به ناحقی که انجام گرفته، لغو شود»<sup>۱</sup>. «فرزندان انقلابی جنابعالی تحت هدایت‌های جنابعالی کار بزرگی را در این مذاکرات انجام دادند و هیچگاه در مذاکرات منفعل نبودند و همواره مؤثر و مستقل در مذاکرات حضور پیدا کردند و در مذاکرات در برابر شش قدرت دیگر پاسخ گفته و حرف زدند و از منافع ملی دفاع کرده و به‌خوبی تفهیم کردند که ما به هیچ عنوان اجازه تضعیف قدرت نظامی خود را نمی‌دهیم و عزت ملی را حفظ کردند و تا زمانی که یک چیز بزرگی را از طرف نگرفتند، چیزی را ندادند و این در تمام مذاکرات مشهود است»<sup>۲</sup>.

- آقای روحانی، رئیس دولت یازدهم در دهمین دوره جایزه ملی محیط زیست گفت: «ما وقتی می‌گوییم باید تحریم‌های ظالمانه رفع شود، بعضی‌ها چشمانشان زیاد نچرخد. تحریم‌های ظالمانه باید از بین برود تا سرمایه بیاید و مشکل محیط زیست، اشتغال، صنعت و آب خوردن مردم حل شود، منابع آبی زیاد شده و بانک‌ها احیا شوند. آن‌ها که ملت ما را تحریم کرده‌اند، ظلم بزرگی مرتکب شده‌اند، اما عده‌ای در داخل هم نمی‌دانستند تحریم چیست».

- کسانی که «با دلسوزی‌های بی‌مورد و اعتراض‌های کودکانه» جمهوری اسلامی را مسبب دشمنی‌ها می‌دانند، این روزها نیز در مسأله تحریم‌های ظالمانه و وحشیانه علیه ملت ایران، به‌جای آنکه وضع‌کنندگان تحریم را شماتت کنند، مردم شریف

۱. سخنرانی ریاست جمهوری در دیدار با اعضای هیأت‌مدیره کانون‌های وکلای دادگستری، ۳ اسفند ۱۳۹۲.

۲. سخنان دکتر روحانی در دیدار اعضای هیأت دولت با رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۶ شهریور ۱۳۹۴.

ایران را به خاطر اقامه آرمان‌های بین‌المللی اسلامی در سال‌های دراز پس از انقلاب محکوم می‌کنند. برخی از ساده‌اندیشان بلندگوی لیبرال‌های مطرود امام (ره) شده‌اند و بر خلاف نصّ باین اصول بنیادین امام (ره) در سیاست خارجی، معتقد به نوعی تقیه در ابراز مخالفت و اعتراض به ساختارهای ظالمانه بین‌المللی و جنایت‌های روزمره اسرائیل، آمریکا، عربستان و نظایر اینها هستند. برخی از دست‌اندرکاران نیز برای فرار از مسئولیت، با استناد به خاطره‌ها و مشاهدات خصوصی خود، خواستار حذف یا محدود شدن چنین موضعی در جایگاه ولی فقیه و ائمه جمعه هستند؛ چرا که زبان دیپلماتیک، ادبیات انقلابی را نمی‌شناسد؛ در صورتی که صحبت بر سر واژگان و عبارات نیست، بلکه بحث بر سر اولویت‌ها و منافع ملی و اسلامی ملت مقتدر ایران است. چند سالی است در جامعه و فضای سیاسی و علمی - دانشگاهی کشور، یک دسته تحلیل‌های روشنفکر مآبانه عنوان می‌شود که ملت ایران را به صورت ضمنی و صریح، افرادی شکم‌پرست، کم‌طاقت و عجول معرفی می‌کند. این افراد در جمع‌بندی نظرشان، مردم را پشت‌کرده و پشیمان از ارزش‌های انقلابی - اسلامی خود می‌دانند و خواستار لحاظ کردن این تغییر دیدگاه، در راهبری عمومی کشور، توسط مقام معظم رهبری هستند. این دیدگاه حاوی پیشداوری‌ها، مصادره به مطلوب‌ها و تنگ‌نظری‌های علمی قابل‌اعتنایی است که نقد تفصیلی آن فرصت دیگری می‌طلبد؛ اما به شکل مختصر باید کثرت فزاینده حضور عامه مردم در راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن و روز قدس از سویی و حفظ نصاب بالای مشارکت سیاسی در ساختار قانون اساسی جمهوری اسلامی را مثال‌های نقض انکارناپذیری دانست که متأسفانه عده‌ای عنود

حاضر به رسمیت شناختن آن نیستند. برخی می‌خواهند سست‌عنصری و خستگی خود در پیگیری مجدّانه و مجاهدانه آرمان‌های عظیم انقلاب اسلامی را به مردم نسبت داده و چهره درخشان ملت ایران را مشوه (زشت) کنند.

### **پیامدهای اختلال در دستگاه محاسباتی (خطاهای محاسباتی)**

وقتی دستگاه محاسباتی از کار افتاد، کار خراب می‌شود. محاسبه غلط، یکی از بزرگترین خطرهای است؛ گاهی حیات انسان را تهدید می‌کند؛ گاهی سرنوشت انسان را تهدید می‌کند؛ چون توان انسان، نیروی انسان، توانایی‌های انسان، در سرپنجه اراده او است، و اراده انسان تحت تأثیر دستگاه محاسباتی او است؛ اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، اراده انسان تصمیمی می‌گیرد و در جهتی می‌رود که خطا است؛ آن‌وقت نیروهای انسان، همه توانایی‌های انسان در این جهتِ خطا به کار می‌افتد؛ این آن چیزی است که باید مراقب آن باشید.<sup>۱</sup>

### **نادیده گرفتن سنت‌های الهی و عوامل معنوی**

یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنت‌های الهی را، سنت‌هایی که خدا از آن‌ها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمی‌شود، ندیده بگیرد؛ این

۱. بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶.

یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است. خداوند فرموده است: **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ**، دیگر از این واضح تر؟! اگر شما در راه خدا حرکت کنید، دین خدا را نصرت کنید، خدا شما را نصرت خواهد داد؛ این سنت الهی است، این تغییرناپذیر است: **وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا**؛ اگر در راه احیای دین الهی حرکت کردید و این جهت را رعایت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد.

### • درس نگرفتن از تجربیات گذشته

هدف اساسی دشمن این است که در دستگاه محاسباتی ما اختلال ایجاد بکند. دستگاه محاسباتی وقتی دچار اختلال شد، از داده‌های درست، خروجی‌های غلط به دست خواهد آورد؛ یعنی تجربه‌ها هم دیگر به درد او نخواهد خورد. وقتی دستگاه محاسباتی خوب کار نکرد، درست کار نکرد و محاسبه درست انجام نگرفت، تجربه‌ها هم دیگر به کار نمی‌آید. خب، شما نگاه کنید در کشور خود ما، برخورد غربی‌ها و دست‌اندرکاران تمدن کنونی غرب در طول این صدسال اخیر، هشتاد نود سال اخیر، با کشور ما چگونه بوده. ما این‌همه تجربه ضربه زدن از سوی غرب داریم. عده‌ای هستند در کشور- روشنفکران غرب‌گرا، غرب‌زده، دل‌باخته غرب- این تجربه‌ها در مقابل چشم آن‌ها است، [اما] از این تجربه‌ها درس نمی‌گیرند. خب، آن‌ها دیدند که غربی‌ها رضاخان را آوردند بر این کشور مسلط کردند و دیکتاتوری عجیب و غریب رضاخانی، به وسیله انگلیس‌ها در این کشور برپا شد - آمدند یک عنصرِ قلدرِ بی‌منطق بی‌اعتنای به اصالت‌های کشور را بر این کشور مسلط کردند - بعد هم

در دهه ۲۰، همان قدرت‌ها آمدند، ایران را اشغال کردند. در واقع به یک معنا بین خودشان تقسیم کردند؛ همان‌ها آمدند نفت را بردند و قراردادهای ظالمانه را بر این کشور تحمیل کردند؛ همان‌ها کودتای بیست‌وهشتم مرداد را راه انداختند و یک دولت ملی را - که با همه عیوبی که داشت بالاخره برخاسته از آرای مردم بود- ساقط کردند و نابود کردند؛ همان‌ها نهضت ملی نفت را به انحراف کشاندند و مجدداً سلطه بر منابع طبیعی و مادی ما را به دست گرفتند؛ همان‌ها در یک مدت طولانی، دیکتاتوری محمدرضا را بر این کشور تثبیت کردند و از آن با همه وجود حمایت کردند؛ در دوران حکومت سی‌وچند ساله محمدرضا بر کشور، چوب حراج به ثروت مادی و معنوی ما زده شد، پدر این ملت را در آوردند، در فقر نگه داشتند، در جهل نگه داشتند، فساد عمومی در تمام ارکان این کشور به راه انداختند، فرهنگ کشور را، دین مردم را، همه چیز را در واقع از بین بردند، این با پشتیبانی و حمایت همین دولت‌های غربی بود؛ در مقابله با انقلاب ملت ایران و حرکت عظیم ملت ایران، هرچه توانستند کارشکنی کردند؛ از صدام حسین حمایت کردند، دفاع کردند - با اینکه خودشان صدام را هم قبول نداشتند، اما چون صدام در مقابل جمهوری اسلامی بود، هرچه توانستند به صدام کمک کردند- همین غربی‌ها، همین انگلیس، همین آمریکا، همین فرانسه: بمب شیمیایی دادند، امکانات گوناگون نظامی در اختیارش گذاشتند؛ خب اینها تجربه‌های ما است. روشنفکر غرب‌زده، چون دستگاه محاسباتی‌اش دستگاه اختلال‌یافته‌ای است، از این تجربه‌ها استفاده نمی‌کند، بهره نمی‌برد، استنتاج درست نمی‌کند.<sup>۱</sup>

• دکتر باقری، عضو تیم مذاکره‌کننده سابق هسته‌ای کشورمان معتقد است، بازی برد-برد با امریکا فقط یک بازی است که مروجان آن را باید پادوهای «ارتجاع نوین» دانست، چرا که نه امریکا سلطه‌گری را کنار گذاشته و نه ملت ایران سلطه‌پذیر شده است. ویژگی مهم «ارتجاع نوین» عبرت نگرفتن از واقعیت‌های تاریخی است. هدف ارتجاع نوین برگرداندن ایران به دوره‌های سیاه و تلخ قاجار و پهلوی است.<sup>۱</sup>

### • عدم واقع‌نگری و تکیه بر توهمات غیر عقلانی

«دشمنان از گفت‌وگو، مبادلات اقتصادی، تحریم، تهدید نظامی و هر وسیله دیگر برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند و ما نیز باید در همه این زمینه‌ها، توان مقابله و دفاع داشته باشیم. در این اوضاع جنگ‌وار جهانی، اگر جمهوری اسلامی صرفاً به دنبال مذاکره و مبادله اقتصادی و حتی علم و فناوری برود، اما توان دفاعی نداشته باشد، آیا حتی دولت‌های کوچک نیز به خود اجازه تهدید ملت ایران را نخواهند داد؟ امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با انتقاد شدید از کسانی که روزگار و دنیای فردا را دنیای مذاکره می‌دانند و نه موشک، یادآوری کردند: روزگار، روزگار همه‌چیز است، و گرنه به راحتی و به صراحت حق ملت را خواهند خورد. اگر این حرف از روی ناآگاهی گفته شده باشد، یک مسأله است اما اگر از روی آگاهی باشد، خیانت است.<sup>۲</sup> رهبر انقلاب، نمایش موشک‌های پیشرفته و دقیق سپاه پاسداران را باعث خرسندی

۱. دکتر علی باقری در جمع دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۵/۰۹/۱۶.

۲. اخیراً آقای هاشمی رفسنجانی در توئیتر خود نوشت: «دنیای فردا دنیای گفتمان‌ها است، نه دنیای موشک‌ها».



ملت‌هایی خواندند که از آمریکا و رژیم صهیونیستی، دلشان خون است اما کاری از دستشان برنمی‌آید. دشمنان مدام در حال تقویت توان نظامی و موشکی خود هستند؛ در این شرایط چطور می‌گوییم روزگار موشک گذشته است؟ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این حرف‌ها را شبیه حرف‌های برخی اعضای دولت موقت دانستند که اوایل انقلاب می‌گفتند جنگنده‌های اف-۱۴ را که خریده‌ایم به آمریکا پس بدهیم، به دردمان نمی‌خورد! در آن موقع ایستادگی و افشاگری کردیم و چندی بعد که صدام به ایران حمله کرد معلوم شد چقدر به این ابزارهای دفاعی نیاز داریم.<sup>۱</sup>

- آقای روحانی نظام و ساختار بین‌الملل را بسیار عادلانه و دارای منطق و نظم می‌بینند، به گونه‌ای که با ابزار دیپلماسی و دیپلمات‌های قوی می‌توان همه خصومت‌های دیرین آمریکا با جمهوری اسلامی را تبدیل به دوستی و صلح کرده و حقوق ملت را از آن‌ها بازستاند. «این طرف در داخل یک عده تعامل‌هراسی را مطرح می‌کنند، این طرف داستان، باز حیرت‌انگیز است؛ تعامل‌هراسی! می‌گویند چرا به یک خارجی نزدیک شدید؛ الکتریسیته خطرناکی این‌ها دارند، به این‌ها نزدیک نشوید... من اینقدر دیدم بعضی‌ها هراسان زندگی می‌کنند و چون خود اعتماد به نفس ندارند- گفت کافر همه را به کیش خود پندارد- دیگران را هم اینچنین می‌بینند ناچار شدم چند مورد مذاکرات خودم را با دیپلمات‌های هسته‌ای بیاورم. با اینکه عرفش این نبود، این کار را من کردم تا بخوانند و ببینند ترسوها. یک عده به ظاهر شعار می‌دهند، ولی بزذل

۱. دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام با رهبر انقلاب، ۱۳۹۵/۰۱/۱۱.

سیاسی اند هر وقت می‌خواهد مذاکره شود عده‌ای می‌گویند ما هم داریم می‌لرزیم خوب به جهنم! بروید یک جای گرم برای خودتان پیدا کنید. چکار کنیم خداوند شما را ترسو و لرزان آفریده؟ ما چکار کنیم؟! تعامل‌هراسی غلط است. مذاکره‌هراسی غلط است. مفاهمه‌هراسی غلط است. حتی آنکه رهبری نظام ترسیم فرموده‌اند که تعبیر ایشان نرمش قهرمانانه، نرمش قهرمانانه‌هراسی غلط است.<sup>۱</sup>

### • نفهمیدن تکلیف

«ما مأمور به وظیفه هستیم، نه مأمور به نتیجه». این جمله امام (ره) جمله‌ای بسیار بلند است که بنده پیش از ایشان، از کسی سراغ ندارم. ... وقتی ما کاری را انجام می‌دهیم، تصور ما این است که کار ما علت تامه برای حصول نتیجه است. بعد از عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر، امام (ره) فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد». در حقیقت ما در آن حادثه به وظیفه عمل کردیم و خدا هم این نتیجه را عنایت کرد. ما باید می‌جنگیدیم. پس ما مکلف به وظیفه جنگیدن بودیم، اما عمل ما مقید به حصول نتیجه نیست؛ بلکه عمل ما یکی از اسباب و معدّات تحصیل آن نتیجه است. ما تکلیف داریم که یکی از هزاران شرط لازم برای تحقق یک پدیده را که همان فعل اختیاری ماست، فراهم کنیم، اما حصول نتیجه، شرط‌های فراوان دیگری هم دارد. حادثه عظیمی مثل آزادی خرمشهر نیازمند تدبیری بود که همه وسایل لازم برای آن را جمع کند. هنگامی که همه شرایط فراهم شد، خرمشهر آزاد شد. هماهنگی این

۱. سخنان رئیس‌جمهوری در همایش رؤسای نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور، ۲۰ مرداد ۱۳۹۳.

مجموعه در اختیار خدای متعال است و اوست که در هر لحظه می‌تواند مهره‌ها را جابه‌جا کند و اراده اوست که غالب و قاهر است: «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ» (سوره مبارکه یوسف، آیه ۲۱) و خداوند بر امر خویش چیره است. حتی در همان وقتی که ما می‌خواهیم انجام کاری را اراده کنیم، اگر خدا بخواهد می‌تواند اراده ما را تغییر بدهد. پس اگر امام (ره) می‌فرماید: ما مکلف به وظیفه‌ایم؛ بدین معناست که گمان نکنید شما همه کاره هستید. باید همه جوانب را بسنجید و بر اساس آن‌ها تصمیم‌گیری کنید. اگر هم نتایجی برای تکالیف بیان شده، در حد فهم ما بیان شده است؛ اما ترتب آن نتیجه هم به اراده الهی وابسته است. ما باید به یاد داشته باشیم که با خدا چه رابطه‌ای داریم و در هر لحظه او از ما چه می‌خواهد.

### • عدم شناخت و درک منابع اصلی قدرت کشور و تضعیف آن‌ها

بنیاد و مغز سخنان آقای روحانی در باب سپاه، این است که سپاه پاسداران مسئولیت ویژه و اختصاصی در قبال انقلاب اسلامی نداشته و مانند دیگر نهادهای کشور مانند شورای عالی امنیت ملی، مجلس و ... نسبت یکسانی با انقلاب اسلامی دارد: «درست است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نگاهبان انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن معرفی شده، اما عین این وظیفه برای نمایندگان مجلس، شورای عالی امنیت ملی، ارتش جمهوری اسلامی و سایر نهادها هم تعریف شده و مطابق قانون اساسی همه نهادهای نظام جمهوری اسلامی موظف به حراست و پاسداری از دستاوردهای انقلاب

اسلامی هستند»<sup>۱</sup>. امام راحل با بصیرت و تدبیر الهی خویش، نهادی را از آغاز انقلاب بنا کردند که سنگینی و کرختی بوروکراسی در آن راهی نداشته باشد. آنچه که ممیز بین سپاه و دیگر نهادهای نظام است، سرعت و شدت عمل این نهاد در پیشروندگی در پرداختن به مسائل انقلاب اسلامی و پیشبرندگی دیگر نهادهاست، چه در حوزه فرهنگی، چه در عرصه سیاست خارجی، چه در مسأله حفظ امنیت و چه در مسأله مسائل اقتصادی و تولید علم و غیره.

آقای روحانی از نقش آفرینی اختصاصی سپاه چه دغدغه ای دارند که با استفاده از واژگانی چون وحدت و در کنار یکدیگر بودن، خواستار همسان شدن سپاه با دیگر ارگانها و نهادهای کشور هستند: «اگر می‌خواهیم نهادهای مختلف در ایفای وظایف عمومی خود که بالاترین آنها پاسداری از انقلاب اسلامی است، موفق باشند نباید فراموش کنیم که عمل به این وظایف به شکل صحیح و موفق، فقط و فقط در صورتی ممکن است که همه در کنار هم بوده، همکاری کرده و هم‌افزایی کنیم و هیچکس خود را جدا از دیگران نپندارد»<sup>۲</sup>. تبعاً احساس خودتربینی در هر امری حتی تعالی معنوی، امری مذموم است، اما آیا احساس مسئولیت بیشتر، تلاش بیشتر و حمیت بیشتر بر پیشبرد آرمان‌های انقلاب اسلامی و حراست از دستاوردهای جمهوری اسلامی جدا شدن از دیگران است؟! آقای روحانی به سپاه پیشنهاد می‌کند که هجوم ریزگردها، طلاق، بیکاری و اعتیاد را هم‌تراز دشمن بشمارد. تبعاً چنین اشتباه محاسباتی،

1. <http://www.president.ir>

2. <http://www.president.ir>

باعث کاهش تمرکز ساختار اشراف، تصمیم‌گیری و عملیات بر ضد دشمن اصلی خواهد بود: «دشمن ما تنها صهیونیست‌ها، آمریکا و تروریست‌ها نیستند، بلکه ما دشمنانی به نام ریزگردها، کم‌آبی، بیکاری، رکود، تورم و سست شدن اخلاق و ایمان در جامعه داریم که برای جامعه بسیار خطرناک هستند و باید بر آن‌ها هم فائق شویم. اعتیاد و طلاق دشمنان خطرناک استقلال کشور و نظام جمهوری اسلامی هستند».<sup>۱</sup>

سقف پرواز و نقطه آرمانی جریان غیرانقلابی کشور، صرفاً ایجاد صلح و ثبات و امنیت است: «ما هم با اتکا به توان دیپلماسی و هم با بهره‌گیری از بازوی نظامی خود به دنیا ثابت کردیم که ایران حامی خشونت و ترور نیست، بلکه ما سربازان بزرگ ایجاد آرامش، ثبات و صلح نه تنها در ایران، بلکه در منطقه و برای همسایگانمان و مسلمانان هستیم».<sup>۲</sup> این عبارت یادآور جملاتی راهبردی از قلم و پیام‌های امام خمینی (ره) است که تفاوت بنیادینی با این بیان دارد. «جنگ ما، جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی‌مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. ان‌شاءالله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب سختی‌های جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می‌کند. و چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر آمریکا فرود آمده است» (بخشی از پیام امام (ره) به مناسبت پذیرش قطعنامه ۵۹۸).<sup>۳</sup>

---

۱. همان

۲. همان

آقای روحانی در حضور فرمانداران و استانداران، در صحبت‌های خود کوشید التزام به ملاک‌های دینی را در تقابل با کارآمدی و مدیریت قرار داده و شورای نگهبان را زیر سؤال ببرد. «کسی که می‌خواهد نماینده مجلس شورای اسلامی شود، البته که باید به دین، اسلام متعهد باشد و التزام به قانون اساسی و ولایت داشته باشد و این از بدیهیات است، اما محیط زیست، صنعت، توسعه کشور، حل بیکاری و رکود نمی‌شود و آیا همه مشکلات کشور همین است؟ یعنی امیرالمؤمنین (ع) وقتی حاکمی را در یک منصب قرار دهد، فقط به نماز شب آن فرد یا اینکه اول وقت در مجلس حاضر می‌شود و یا اینکه زکات چگونه داده است، توجه می‌کرد؟ و فقط صداقت و ایمان بود؟ یا کارآمدی و کاربلدی فرد، توان اداره و مدیریت و فهم فرد را از جامعه نیز در نظر می‌گرفت؟» روحانی برای جانداختن و تشریح دوگانه «تعهد-تخصص» تلاش کرد برای موجه کردن سخنانش مثل قضیه برجام از تاریخ اسلام نمونه‌ای بیاورد. روحانی گفت: «قنبر پاک، متدین و مخلص و چرا امیرالمؤمنین قنبر را فرماندار یا استاندار نکرد؟ درحالی که سیاستمداری را فرستاد و حتی ایرادی هم که به وی داشت، به وی عتاب می‌کرد و نامه می‌نوشت و گاهی امیرالمؤمنین (ع) برای حل برخی مشکلات پیچیده افرادی را انتخاب می‌کرد که انسان تعجب می‌کند و این تعجب به خاطر آن است که انسان به همه زوایا آشنا نیست، و گرنه مشخص است کار امیرالمؤمنین (ع) معلوم است که درست است. امیرالمؤمنین (ع) مشاهده کردند که در فارس شلوغ است و کسی نمی‌تواند اداره کند و سیاستمدار پخته‌ای را و برخی مواقع تا حدی قابل قبول بود زیادبن‌ایبه را استاندار فارس کرد که وی پدر عبدالله بن زیاد بود، اما الان دولت یک همچنین فردی را قرار دهد، چه می‌شود؟» تلاش روحانی برای غیرقابل

جمع نشان دادن «تدین» با «تخصص و کارآمدی» و استناد به «انتصاب زیادبن‌ایبه توسط امیرالمؤمنین (ع)» در حالی است که: اولاً در حکومت امیرالمؤمنین هیچگاه افرادی مثل زیادبن‌ایبه به‌عنوان «مسئول طراز و شایسته آن حکومت» و «الگو» مطرح نبوده‌اند، بلکه تدین و تعهد از ملاک‌های اصلی و اساسی انتصابات بوده است.

بنا براین اگر قرار باشد به‌دنبال حاکم طراز زمان ایشان باشیم، باید افرادی مثل «مالک‌اشتر» را معرفی کنیم، نه زیادبن‌ایبه را. ثانیاً در دوره حضرت علی (ع) رجالِ مدیر به اندازه کافی نبودند که حضرت برای حفظ نظم و امنیت مجبور به استفاده از امثال زیاد می‌شود، اما آیا در نظام اسلامی ما قحط‌الرجال است که از ملاک‌های التزام عدول کنیم؟ ثالثاً بررسی برخی انتخاب‌ها و انتصاب‌ها توسط برخی دولت‌ها در جمهوری اسلامی، نشان‌دهنده این است که جمهوری اسلامی با بدتر از زیادبن‌ایبه هم مدارا کرده است! رابعاً دوگانه ترسیم شده توسط آقای روحانی از اساس جعلی و غیرواقعی است؛ یعنی هیچکس نمی‌گوید برای مدیرشدن تنها تدین و به قول آقای روحانی نماز شب خواندن لازم است، بلکه تدین و تعهد به اسلام و نظام و قانون اساسی به‌عنوان شرط لازم و بدیهی برای مسئولیت در جمهوری اسلامی مطرح است و فردی که بخواهد در نظام جمهوری اسلامی مسئولیت بگیرد، باید علاوه بر تدین و تعهد به مبانی نظام، در حیطه خود تخصص نیز داشته باشد. تحریف تاریخ و برداشت‌های ناقص و غلط جناحی برای مقاصد سیاسی امروز، از آسیب‌هایی است که توسط برخی سیاستمداران متوجه تاریخ اسلام می‌شود. روحانی پیش از این برای عادی‌سازی مذاکره با آمریکا هم به «مذاکره امام حسین (ع) و عمر بن سعد در کربلا» استناد کرده و حتی کربلا را درس مذاکره نامیده بود.

به نظر می‌رسد این سخنان حسن روحانی و ایراد وارد کردن به عملکرد شورای نگهبان بیش از آنکه واقعاً برخاسته از یک منظومه فکری باشد، ناشی از نارضایتی از عملکرد این شورا در بررسی صلاحیت‌هاست. «همانطور که رهبری گفتند باید مَرّ قانون انجام شود، نه اینکه مَرّ سلیقه انجام شود و من نمی‌دانم در این قانون اساسی، یهودی‌ها و زرتشتی‌ها هر کدام نماینده خود را دارند و این خیلی خوب است، اما مگر ما چند یهودی و زرتشتی در کشور داریم، حال جناحی که در این کشور جمعیت ۷ یا ۱۰ میلیون دارد، ما قانون اساسی را چگونه تفسیر می‌کنیم و چگونه اجرا می‌کنیم؟ چرا که اسم مجلس، خانه ملت است و این خانه یک جناح نیست، بنابراین بگذاریم مجلس آینده ملت باشد». شخص ایشان خوب می‌داند که اگر قرار بود شورای نگهبان و فقهای محترم آن در طول سال‌های مختلف مَرّ سلیقه‌شان را ملاک قرار دهند، نه دولت اصلاحات سر کار می‌آمد و نه اکنون آقای روحانی رئیس‌جمهور بود. اگر نامزدهای منتسب به یک جناح توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شده‌اند، نه ریشه در «سلیقه‌ای عمل کردن شورای نگهبان»، بلکه ریشه در «اصرار یک جناح بر مواضع مخالف اصول اساسی انقلاب» است. اینکه جریانی که باعث و بانی فتنه سال ۸۸ بوده و هشت ماه کشور را با بحران مواجه کرده، بخواهد بدون عذرخواهی و اعتراف به اشتباه و با اصرار بر مشی قبلی خود وارد مجلس شود، به هیچ‌وجه قابل دفاع نیست.<sup>۱</sup>

1. <http://www.rajaneews.com>



## • **فرافکنی و فرار رو به جلو به جای پذیرفتن خطا و دفع خطر نفوذ**

صحبت‌های آقای روحانی در جلسه هیأت دولت در انتقاد از بازداشت عوامل جریان نفوذ، با استقبال رسانه‌های ضدانقلاب و غربی مواجه شد، به گونه‌ای که بیشتر پایگاه‌های خبری با خوشحالی نوشتند که رئیس‌جمهور ایران سیاست‌های تندروها را به باد انتقاد گرفت. خبرگزاری آسوشیتدپرس به‌عنوان پرچمدار اصلی انتشار این خبر نوشت: «روحانی معتقد است که تندروها در ایران از صحبت‌های آیت‌الله خامنه‌ای سوءاستفاده کرده و آن را بهانه‌ای برای بازداشت کردن بی‌دلیل خبرنگاران خارجی در ایران قرار داده تا نشان دهند نفوذ آمریکا در ایران شروع شده است». آسوشیتدپرس با اشاره به انتشار صحبت‌های روحانی در روزنامه ایران نوشت: انتقادات تند روحانی از سپاه پاسداران و بازداشت خبرنگاران خارجی به جرم جاسوسی در حالی مطرح می‌شود که توافق هسته‌ای میان ایران و قدرت‌های جهانی به فاز اجرایی خود نزدیک می‌شود. روحانی در این جلسه گفت: «بی‌خودی نرویم یک نفر، دو نفر را از این جا و آن جا به بهانه‌ای بگیریم، پرونده‌سازی کنیم و بعد بیایم آن را در کشور بزرگ کنیم و بگوییم این خط، خط نفوذ است و جریان نفوذ است»<sup>۱</sup>.

## • **خوش‌بینی و بدبینی به آمریکا و مذاکرات هسته‌ای**

«من به این گفت‌وگوها خوش‌بین نیستم. چرا؟ چون تجربه‌های گذشته ما نشان می‌دهد گفت‌وگو در منطق حضرات آمریکایی به این معنی نیست که بنشینیم تا به

1. <http://www.mashregnews.ir>

یک راه حل منطقی دست پیدا کنیم. منظورشان از گفت و گو این نیست. منظورشان از گفت و گو این است که بنشینیم حرف بزنیم تا شما نظر ما را قبول کنید! هدف، از اول اعلام شده است؛ باید نظر طرف مقابل قبول شود. لذا ما همیشه اعلام کردیم و گفتیم که این، گفت و گو نیست؛ این، تحمیل است و ایران زیر بار تحمیل نمی رود. من به این اظهارات خوش بین نیستم، اما مخالفت هم ندارم»<sup>۱</sup>.

- در ایامی که امام خامنه‌ای (دام‌الله‌العالی) بر عدم خوش بینی در مذاکره با آمریکا تأکید می کردند، آقای روحانی به این مذاکرات اصرار داشت و معتقد بود که خوش بینی و بدبینی در عالم سیاست معنی ندارد. دهم اردیبهشت سال ۱۳۹۳ بود و آقای روحانی در برنامه گفت و گوی زنده تلویزیونی، در پاسخ سؤال مجری (در کجای مذاکرات هسته‌ای هستیم، اینکه مذاکرات را با نگاه خوش بینانه باید نگاه کنیم یا بدبینانه؟)، گفت: «اما اینکه شما می گوید خوش بینی و بدبینی، خوش بینی در دنیای سیاست یا بدبینی خیلی معنا ندارد و ما باید واقع بین باشیم». روحانی هیچ وقت به این اشکال در سخنانش پاسخ نداد که خوش بینی و بدبینی و واقع بینی، قسیم یکدیگر نیستند تا به جای خوش بینی یا بدبینی، واقع بین باشیم. بلکه صحیح این است که خوش بینی یا بدبینی به موضوعی، می تواند واقع بینانه یا غیر واقع بینانه باشد. اکنون دو سال و چند ماه از آن تاریخ گذشته و تجربه تلخ مرآمده و مذاکره با آمریکا، حسن روحانی را واقع بین کرده

۱. بیانات در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۰۸/۱۲.

است، برای همین دیروز ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۵ در سفر به کهگیلویه و بویر احمد گفت: «خوش بینی به برجام به معنای خوش بینی به ابر قدرت‌ها نیست. به برجام خوش بینیم و به آمریکا بدبین هستیم». آقای روحانی دیروز اعتراف کرد که در دنیای سیاست، خوش بینی و بدبینی معنا دارد. این یعنی روحانی یک گام به پیش برداشته و «واقع بین» شده است. هر چند فهم این موضوع بدیهی، دو سال ونیم وقت گرفت و یک مشکل حل شد، اما سوگ‌مندانه مشکل دیگری به وجود آمده است. آقای روحانی دیروز گفته که «به برجام خوش بین اما به آمریکا بدبین است» و این یعنی، وی به نتیجه مذاکره (برجام) با کسی که به او بدبین است (آمریکا)، خوش بین است. اینکه چند سال طول خواهد کشید تا جناب روحانی به این واقعیت بدیهی هم پی ببرند که نمی‌توان به نتیجه مذاکره با کسی که به او بدبین است، خوش بین باشد، خدا می‌داند.<sup>۱</sup>

### **نشاختن میدان و عرصه جنگ و اعتماد به دشمن و غافلگیر شدن از او**

- دیدگاه رئیس‌جمهور در مذاکرات توجه به ماندگاری بازی برد-برد و عدم اعتقاد به معادله باخت-برد در روابط بین‌الملل است. روابط برد-برد هنگامی اتفاق می‌افتد که توازن قدرت همراه با ابزارهای مختلف چانه‌زنی وجود داشته باشد. هنگامی که ایران در مقابل کشورهای بزرگ و قدرتمند در جهان قرار می‌گیرد و دارای ابزارهای محدودی در مذاکرات است، به نظر می‌رسد هدف بازی برد-برد خودبه‌خود محقق نمی‌شود؛

از طرف دیگر، بازی برد-برد آن است که طرف‌های مذاکره‌کننده در ازای صرف‌نظر از یک موضوع بتوانند به هدف دیگری دست یابند و نه آنکه در مقابل دادن حقی به حق دیگری دست یابند. هنگامی که حق طبیعی استفاده از انرژی هسته‌ای در ازای دستیابی به حق طبیعی تجارت و اقتصاد معاوضه می‌گردد، به نظر نمی‌رسد که این بازی برد-برد تعریف شود. حتی اگر برد را اینگونه تعریف کنیم که حق هسته‌ای ایران به رسمیت شناخته‌شده و تحریم‌ها برداشته می‌شود، باید گفت که حقوق هسته‌ای یکی از حقوق طبیعی ایران است و نیاز به تأیید دیگران نیست و اگر نگرانی‌هایی وجود دارد ساختارهای حقوقی و سیاسی بین‌المللی متعددی وجود دارد که می‌تواند آن‌ها را برطرف کند؛ از طرف دیگر، تحریم‌ها امری ظالمانه و غیرقانونی هستند که معاوضه یک حق با کاهش اعمال فشار بر حق دیگر، نمی‌تواند باعث این ادعا شود. به‌طور واقع‌بینانه اگر بخواهیم این مذاکرات را تعریف کنیم می‌توانیم بگوییم که در ساختار استکباری در جامعه بین‌الملل که بر اساس خواست تعداد محدودی از ابرقدرت‌ها شکل گرفته است و خواهان محروم کردن ایران از حق طبیعی در موضوع هسته‌ای با اعمال محدودیت در اقتصاد و تجارت هستند، ایران توانسته است با پذیرش معادلات همین ساختار، توازن‌ی همراه با محدودیت برای دسترسی به دو حق خود ایجاد کند. «ما هیچگاه نمی‌خواهیم در این مذاکرات کسی را شکست بدهیم. اشتباه نشود، ما دنبال شکست کسی نیستیم. ما دنبال باخت کسی در این مذاکرات نیستیم. ما دنبال احقاق حقوق خودمان و دنبال مذاکراتی هستیم که برد-برد باشد، هم به نفع ما باشد و هم به نفع جهان و منطقه. ما نمی‌خواهیم به دنیا بگوییم ما در یک مذاکراتی قدم

گذاشته‌ایم که پیروز این مذاکرات هستیم و طرف مقابل ما شکست خورده است. ما می‌دانیم در دنیایی قرار گرفته‌ایم که مذاکرات برد- باخت استمرار نخواهد داشت و باقی نمی‌ماند. آن مذاکراتی باقی می‌ماند که برد-برد باشد.<sup>۱</sup>

- بازی‌های سبک راهبردی strategy games امروزه در زمره محبوب‌ترین سرگرمی‌های کودکان و نوجوانان عصر دیجیتال به شمار می‌آیند. اساس بازی‌های راهبردی، اتخاذ یک راهبرد دقیق برای پیروزی بر دشمن و رسیدن به هدف است. بازیگر باید با اشراف کامل بر صحنه، مانند یک فرمانده واقعی، ضمن رصد تحرکات دشمن از همه ظرفیت‌ها استفاده کرده و عوامل خود را برای رسیدن به نقطه پیروزی و چیره شدن بر حریف، کنترل و هدایت کند. «عرصه‌شناسی» اصلی‌ترین عامل موفقیت یک راهبرد است. «عرصه‌شناسی»، برخلاف گذشته، تنها در شناخت سرزمین نبرد خلاصه نمی‌شود. قدرت‌های سخت‌ونرم و هوشمند، عرصه‌های تازه‌ای در جنگ‌های جدید گشوده‌اند که بسیار سخت و بغرنج و لایه‌لایه‌اند. امروز پیروزی در یک عرصه نبرد به معنای پیروزی کامل نیست. چه بسا در جنگ سخت و نظامی، پیروزی رقم بخورد اما در جنگ نرم، شکستی سنگین حاصل شود.

جناب آقای روحانی، رئیس‌جمهور محترم اخیراً در واکنش به انتقادات به‌عمل آمده از شرایط رکود اقتصادی حاکم بر کشور، طی سخنانی تأکید کردند: «برخی نیایند از رکود صحبت کنند؛ دولت کشور را در شرایط نفت ۳۰ دلاری اداره می‌کند، نه نفت

۱. سخنان رئیس‌جمهوری در مراسم روز ملی فناوری هسته‌ای ایران، ۲۰ فروردین.

۱۴۷ دلاری». حال آیا کم شدن قیمت نفت در دولت آقای روحانی یک «منزلت» برای دولت ایشان است که به واسطه آن متقصدان حق ندارند درباره رکود اقتصادی حرف بزنند؟ تقریباً از زمانی که دور جدید مذاکرات هسته‌ای توسط تیم آقای روحانی آغاز شد، یکی از جدی‌ترین هشدارهایی که توسط تحلیل‌گران و صاحب‌نظران مختلف به‌ویژه مقام معظم رهبری به دولت و تیم مذاکره داده شد، عدم اعتماد به آمریکا و هشجاری در برابر خدعه‌ها و ترفندهای این دشمن دیرین و غدار بود، اما حقیقت تلخ این است که پروژه برجام از ابتدا بر پایه اعتماد به دولت آمریکا و به‌ویژه اوباما و جان کری طراحی شده و تاکنون پیش رفته است. طی این مدت نیز اگرچه بارها شاهد «دبّه آمریکا» بوده‌ایم، اما این عهدشکنی‌ها و تناقض‌ها هیچگاه ضربه محکمی به ساختار مبتنی بر اعتماد مذاکرات نزده است. ضمن احترام به جناب رئیس‌جمهور و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای - به‌عنوان اصلی‌ترین مهره‌های بازی ایشان در برابر آمریکا - متأسفانه ایشان از همان ابتدا «زمین بازی» را بسیار ساده به تصویر کشیدند. بر اساس این نگاه بسیط، در جریان مذاکرات، ایران از برخی داشته‌ها و خواسته‌هایش در حوزه هسته‌ای دست می‌کشید و در مقابل آمریکایی‌ها تحریم‌ها را برمی‌داشتند تا بدین ترتیب به تعبیر آقای روحانی، بازی «سه بر دو» به نفع ایران تمام شود، اما اصل «عرصه‌شناسی» در بازی راهبردی به ما می‌گوید، حریف تنها در یک میدان با شما نمی‌جنگد. ساحت‌های نبرد در دنیای جدید، متعدد و فراوانند. حریف هر لحظه ممکن است با بهره‌گیری از «اصل غافلگیری» از زاویه‌ای بر شما یورش آورد که پیش از آن، گمانش هم نمی‌کردید.

درست همان زمانی که آقای روحانی و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، با تکیه بر گزاره «اوباما فرق می‌کند» غرق در نگاه منعطف وزیر خارجه او - جان کری - شده بودند و پایه‌های توافق هسته‌ای را بر مبنای اعتماد به وعده‌های این دو، استوار می‌ساختند؛ «دوقلوهای دموکرات» در جای دیگری، بازی دیگر ساز کرده بودند و دست در دست شاهزادگان سعودی، سناریوی کاستن از قیمت نفت را طراحی می‌کردند. به موازات پیشرفت مذاکرات هسته‌ای، سیر نزولی قیمت نفت نیز پیش رفت. در طول این دو سال و نیمی که مذاکرات در جریان بود، آقای روحانی و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای با اینکه از اواسط راه، متوجه «توطئه سقوط قیمت نفت» شدند، اما از داشته‌های ایران برای مقابله با این توطئه استفاده لازم را نبردند. طنز تلخ روزگار آنجا بود که در میانه درگیری روسیه و غرب بر سر ماجرای کریمه و اوکراین و تهدید روسیه به قطع گاز اروپا - که می‌توانست به بروز بحران انرژی و بالا رفتن قیمت نفت بینجامد - وزیر نفت دولت روحانی صراحتاً اعلام کرد که ایران حاضر است به جای روسیه گاز اروپا را تأمین کند. سخنی به گزاف، که گرچه به لحاظ اجرایی نیز دشوار و ناممکن می‌نمود، اما بیانش در آن زمان توانست شبیح بحران انرژی را از سر اروپا بزیداید تا بدین ترتیب حتی توقیفی کوتاه در سیر نزولی قیمت نفت ایجاد نشود. در بازی‌های سبک راهبرد کودکان و نوجوانان، اگر کاربر کم‌سن و سال دقت کافی نکند و در مقابل حریف، بازی را ببازد شکست خورده است، اما می‌تواند دوباره بازی را از نو شروع کند، اما در عرصه واقعی سیاست، معلوم نیست پس از **game over** شدن، باز هم بتوان بازی را از سر گرفت!<sup>۱</sup>

- دولت اواما که در اقدامی مغایر حقوق بین الملل از صدور رواید حمید ابوطالبی، سفیر پیشنهادی ایران برای سازمان ملل اجتناب کرد. دولت یازدهم در مقابل چه کرد؟ پس از مدتی مجبور شد فرد دیگری را بدین منظور جایگزین گزینه ابتدایی خود کند. در واقع عقب نشینی اولین فرجام تقابل دیپلماتیک دولت یازدهم با آمریکا شد. موضوعی که به نظر می رسد سبب ساز اقدام گستاخانه آمریکا برای بازداشت احمد شیخزاده مشاور نماینده ایران در سازمان ملل شده است. حالا خبر بازداشت و به قول برخی از کارشناسان سیاسی گروگان گیری «احمد شیخزاده» از سوی دستگاه قضایی آمریکا در شروع سال جدید شمسی باعث نگرانی در سطح دیپلماتیک شده است. این گروگان گیری از نظر کارشناسان، برای آزادسازی مهره های آمریکایی که از بزرگترین صیدهای اطلاعاتی کشورمان به شمار می روند، صورت گرفته و باب تازه و خطرناکی را در مورد عدم مصونیت مسئولان و نمایندگان ایرانی در آمریکا و مقر سازمان ملل باز کرده است.<sup>۱</sup> این، آن عزت و جایگاهی بود که آقای روحانی وعده اش را به مردم ایران داد، حالا می بینیم حتی دیپلمات های خودش هم مصونیت ندارند و گروگان گرفته می شوند.

#### • پرهیز از اقدام انقلابی، ابتکاری و جسورانه در مقابل دشمن بدعهد

وَإِنَّمَا تَخَافْنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ وَ هِرْگَاه (با ظهور نشانه هایی) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، به طور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛



زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی‌دارد! (سوره مبارکه انفال، آیه ۵۸). قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد در تعهد به قراردادهای با طرف مقابل، هر وقت نشانه‌ای دیدی که آن‌ها در صدد نقضند، زودتر اعلام کن و قرارداد را ملغی نما، نه مثل عملکرد دولت یازدهم در برجام که با وجود مشاهده موارد و نشانه‌های نقض، اعلام نقض نکردند تا با تمدید قانون تحریم‌های ۱۰ ساله (ایسا) آمریکا رسماً نقض عهد کرد. اعلام نقض عهد آمریکا از سوی ما پس از ایسا دیگر اثری نداشت. اگر مسئولان به فرموده قرآن کریم عمل کرده و جسارت اعلام نقض، زودتر از قانون ایسا را داشتند شاید آمریکایی‌ها مجبور می‌شدند امتیازی بدهند یا ایسا را تمدید نکنند. قرآن حکیم به مسئولان امر می‌کند یک طوری قرارداد ببندید که اگر احساس کردید که می‌خواهند زیر آن بزنند بتوانید حق خود را استیفا کنید. روی زمین مساوی بازی کنید، نه اینکه هرچه حرف ناحق بشنوید و نتوانید حق خود را احقاق کنید.

- از امام باقر (علیه‌السلام) پرسیدند که چرا سقیفه در زمان حضرت امیر به وجود آمد؟ «سدیر گوید: نزد ابوجعفر باقر (ع) بودیم و از رحلت رسول خدا (ص) و خوار شمردن علی (ع) سخن به میان آمد، یکی گفت: خدایت سامان دهد، پس عزت و شوکت بنی‌هاشم چه شد؟ ابوجعفر گفت: از بنی‌هاشم کسی بر جای نبود، جعفر و حمزه شهید شده بودند، دو تازه مسلمان ناتوان بی‌مقدار به‌جا بودند که عباس و عقیل باشند، این دو تن طلیق بودند که بر اساس مقررات نمی‌توانستند تصمیم بگیرند؛ یعنی زندگی و آزادی خود را مدیون اسلام بودند، اگر حمزه و جعفر زنده بودند آن دو تن به مراد خود نمی‌رسیدند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۱۸۹)؛ یعنی اگر به جای

آن‌ها جعفر و حمزه بودند جریان سقیفه به وجود نمی‌آمد. گاهی دو نفر می‌توانند تمام معادلات را به هم بریزند. نمی‌گوییم که عقیل و عبدالله انسان‌های بدی بودند، ولی نتوانستند جریان تاریخ را تغییر دهند و افراد جریان‌سازی نبودند. در برجام هم اگر افراد دیگری بودند، یا همین افراد اقدامی شجاعانه و ابتکاری انجام می‌دادند شاید کار به اینجا نمی‌کشید. کشور ما تجربه استقامت در مقابل زیاده‌خواهی دشمن و باج ندادن و پیشرفت در عرصه‌های تحریمی را در دیپلماسی آقای جلیلی و همکارانشان دارد.

- دکتر فؤاد ایزدی لزوم نگاه واقع‌بینانه مسئولان سیاست خارجه و نمایندگان مجلس به نیات آمریکایی‌ها از توافق هسته‌ای را هشدار می‌دهند: پس از این دوره ۶۰ روزه‌ای که کنگره برای اعلام نظر رسمی در رابطه با برجام فرصت داشت، چند روز پیش دولت آمریکا دو نفر را در رأس تیمی مشخص کرد که وظیفه این تیم رصد مباحث برجام و هماهنگی مسائل مربوط به برجام است. رئیس این تیم استفان مول، سفیر آمریکا در لهستان و نفر دوم آن تیم نیز فردی به نام گرت بلانک است که الان در وزارت خارجه آمریکا است؛ منتهی پیش از اینکه وارد وزارت خارجه شود، برای بنیاد جامعه باز که متعلق به جورج سورس هست کار می‌کرد و تخصصش در حوزه انقلاب‌های مخملی و مباحث براندازی و مدیریت انتخابات در کشورها هست؛ برای مثال، پس از سرنگونی صدام بخش مدیریت انتخابات در عراق را وی به عهده گرفته بود و جاهای دیگری هم کار کرده است؛ حوزه کار اصلی‌اش هم مباحث سیاسی مرتبط با کشورهای است که در حال تغییر هستند. پرسش این است که برجام متنی مرتبط با برنامه هسته‌ای

ایران است و افرادی که درگیر برجام می‌شوند، باید در حوزه مباحث هسته‌ای یا در حوزه تحریم‌ها و یا در مباحث فنی کار کرده باشند. اینکه وزارت خارجه آمریکا دو فرد سیاسی را برای این امر می‌گذارد که اولی حوزه کارش لهستان است که اولین کشور از مجموع کشورهای بلوک شرق بوده که با حضور و کمک آمریکایی‌ها در آن انقلاب اتفاق می‌افتد و از بلوک شرق خارج می‌شود، جای سؤال دارد. به نظر من از طرف وزارت خارجه ما جای اعتراض دارد که آیا در وزارت خارجه آمریکا افرادی که در حوزه عدم اشاعه یا تحریم کار کرده‌اند، کم هستند؟ افرادی که در حوزه براندازی و انقلاب مخملی تخصص دارند و برای افرادی مثل جورج سوروس کار کرده‌اند، چرا مسئول اصلی کمیته برجام‌اند؟ آیا این حرکتی که وزارت خارجه آمریکا کرده نشان نمی‌دهد که طبق آن نکاتی که هم اوپاما و هم کری گفت، به برجام نگاهی ابزاری برای نفوذ دارند. زمانی که از مسئولان آمریکایی سؤال می‌شود که پس از ۱۰ و ۱۵ سال چه اتفاقی برای ایران می‌افتد، جوابشان این است که شما خیلی نگران ایران بعد از ۱۰ و ۱۵ سال نباشید و ایران در حال تغییر است؛ این برجام هم کمکی به ایجاد این تغییر می‌کند و این ادبیات را شما می‌شنوید و بعد مسئولان برجام هم در وزارت خارجه آمریکا آدم‌هایی سیاسی متخصص در امور تغییر در کشورها، براندازی و انقلاب مخملی می‌شوند.<sup>۱</sup> این انتصاب خود از نشانه‌های نقض برجام و هدف اصلی آمریکا (نفوذ برای تغییر و استحاله) در برجام است که مسئولان دیپلماسی کشور می‌توانستند با استناد به آن و طبق دستور قرآن نقض برجام و لغو آن را اعلام کنند. نه تنها این کار

را نکردند، حتی از یک اعتراض در نطق سخنگوی وزارت خارجه هم دریغ ورزیدند. اعتراضی که می‌توانست افکار عمومی داخلی و جهانی را نسبت به نیات پلید آمریکا در حد خود روشن کند.

- شبهه‌ای که اولویت پیگیری مسائل اقتصادی و معیشتی ملت را مانع و مخل اقامه ارزش‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی می‌داند، معتقد است پیشرفت‌های علمی-صنعتی و نظامی مانند صنعت هسته‌ای، تبدیل به بهانه‌ای برای قدرت‌های بزرگ شده تا از این مسیر کشور را تحت فشارهای اقتصادی قرار دهند، لذا باید تا مدتی نامعلوم از ادامه این مسیر خودداری کرد؛ اما حضرت امام خمینی (ره) در بیانی واضح که در آخرین پیام خود به مناسبت نیمه شعبان سال ۱۳۶۸، خطاب به مسئولان می‌نویسند: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه- است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد». مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولان را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند. مسئولان ارشد سیاسی- اقتصادی دولت یازدهم باید مراقب باشند تا در اظهارات خود، به گونه‌ای سخن نگویند که مردم احساس کنند میان پیگیری عزت بین‌المللی و اقتدار اسلامی ملت و دولت و حل مسائل اقتصادی داخلی، نوعی

تناقض و عدم امکان اجتماع وجود دارد. مضافاً اینکه دشمنان خارجی نیز با برداشت غلط خود از سخنانی که زندگی روزمره مردم را در گرو نتیجه مذاکرات می‌داند، بر ادامه مسیر «تحریم بیشتر برای امتیاز بیشتر» سخت‌تر خواهند شد.

برخی افراد در پاسخ به دعوت آن‌ها با مرور چنین فرمایشات و چنان افق‌هایی می‌گویند: با تکرار چنین کلماتی دشمن توانسته است چهره‌ای جنگ‌طلب از ایران تصویر کند و از این نم‌د کلاه ایران‌هراسی ساخته‌است و مانع گسترش پیام انقلاب اسلامی می‌شود. امام خمینی (ره) مکرراً و مؤکداً نسبت به چنین استدلالی برخوردی سخت و صریح داشته‌اند. ایشان در پیام مربوط به پذیرش قطعنامه ۵۹۸، می‌نویسند: «البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول‌الله - صلی الله علیه و آله و سلم را در جهان استکبار ترویج نماییم؛ و دیر یا زود ملت‌های دربند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باج‌خواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می‌کنیم». امام خمینی (ره) در سیاست خارجی خود، به دنبال تحمیل دیدگاه خود بر ملت ایران نبوده، بلکه ایشان خود را دنباله‌رو

ملت می دانستند. ایشان اعتقاد داشتند که ملت ایران راه خود را برای زمینه سازی تعجیل ظهور حضرت حجت - ارواحنا فداه- انتخاب کرده است و آماده است تا هزینه های آن را نیز پردازد: «مردم عزیز ایران که حقاً چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختی ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی شان که نشر اسلام در جهان است، برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند. چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقه مستضعف فشار می آورد، ولی هیچکس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دول دنیای امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می کنند. این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب، بی شهادت میسر نیست».

### • **حقات در مقابل دشمن و فقدان عزت و غیرت**

گره زدن زندگی و معیشت روزمره مردم به نتیجه مذاکرات کار را بدان جا رسانده است که دولتمردان آمریکایی برای تعیین مداخله داخل و خرج درآمدهای ارزی کشور طمع کرده و به زبان می آیند. آن ها در سخنان خود از هزینه کرد بودجه های آزاد شده جمهوری اسلامی در حمایت از ملل مظلوم منطقه اظهار نارضایتی می کنند و خواستار

مواظبت بر چنین امری می‌شوند. در همین معنا مقام معظم رهبری - حفظه الله - شانزدهم اردیبهشت امسال در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان با ایشان، فرمودند: «من مکرر گفته‌ام راجع به این مذاکرات و [مسائل] هسته‌ای و امثال اینها؛ حرف زیاد زده‌ایم و آنچه باید بگوییم، گفته‌ایم لکن همه توجه داشته باشند - هم مسئولان سیاست خارجی ما، هم مسئولان گوناگون دیگر، هم نخبگان جامعه - یک ملت اگر نتواند از هویت خود، از عظمت خود، آنچنانکه هست، در مقابل بیگانگان دفاع بکند، قطعاً توسری خواهد خورد؛ برو - برگرد ندارد». ساده‌اندیشان در هر کسوت و سمتی هستند باید تا دیر نشده به خط واقعی مردم که همان خط اصیل اسلام ناب محمدی - صلوات الله علیه و آله - است بازگردند و دنیا و آخرت خود را تباه نسازند.

- صادق زیباکلام، استاد علوم سیاسی و از حامیان دولت یازدهم در نشست هم‌اندیشی و مناظره با ابراهیم متقی که در مؤسسه دیدبان آمریکا برگزار شد، در پاسخ به سؤال یک خبرنگار مبنی بر اینکه چرا بین سخنان شما نسبت به دستاورد بودن توافق ژنو و نیاز کشور به انرژی هسته‌ای تناقض وجود دارد؟ گفت: من از مفاد توافق خبر ندارم، اما نسبت به کلیت آن مثل سگ می‌ایستم و از توافق ژنو دفاع می‌کنم و هر کس که غنی‌سازی را متوقف کند، دو رکعت نماز شکر می‌خوانم و دست‌وپای او را می‌بوسم.<sup>۱</sup>

- حمید ابوظالبی، معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور که چندی پیش به دلیل عدم صدور روایت از سوی آمریکا از رسیدن به سمت نمایندگی کشورمان در سازمان ملل

1. <http://www.yjc.ir>

بازماند، با فراموش کردن ماجرای تحقیق‌آمیز نمایندگی ایران در سازمان ملل اظهار داشت: ارزش تعامل با آمریکا بیش از موضوع هسته‌ای است! وی در صفحه شخصی خود در توئیتر نوشت: از آن‌جا که اوباما گفته است «اگر دو طرف به این توافق دیپلماتیک دست یابند، نویدبخش عصر تازه‌ای در روابط آمریکا و ایران است»، لذا این آخرین گزینه برای آغاز تعامل است؛ چرا که هر دو کشور بر این امر توافق دارند که به موضوع هسته‌ای به‌عنوان آزمایش اراده پردازند. ابوطالبی با بیان اینکه اگر دو کشور در این موضوع که می‌توانند با هم گفت‌وگو کرده و به توافق برسند، شکست خورده و نتوانند تفاهم کنند، آن‌وقت چگونه می‌توانند بر سر موضوعات چالشی دیگر گفت‌وگو کرده و به توافق برسند؟ وی سپس شرایط پدید آمده را صحنه آزمایش سیاست دانسته و مدعی شده است: به نظر من ارزش آغاز تعامل ایران و آمریکا، بیش از موضوع پرونده هسته‌ای است؛ آن را آسان از دست ندهیم.<sup>۱</sup> وی اگر ذره‌ای غیرت دینی و ملی داشت، باید در مقابل این اقدام آمریکا موضع تهاجمی می‌گرفت، نه اینکه به استفاده از فرصت برجام برای فتح عصر تازه در روابط آمریکا و ایران مژده دهد.



## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- صحیفه سجادیه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۲). تحف العقول. قم.
- استرمن، جان (۱۳۸۶). ویایی شناسی سیستم. ترجمه شهرام میرزایی دریانی و دیگران. تهران: ترمه.
- استیسی. صص ۵۷-۵۸.
- امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۸). صحیفه نور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره).
- جوادی ارجمند، محمدجعفر (زمستان ۱۳۹۰). رویکردهای نوین تصمیم گیری در سیاست خارجی. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴.
- حسینی عاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۴). مواظظ العددیة. قم: طلیعه النور.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر «نور الثقلین». قم.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۹۰). ساخت نظریه بی تفاوتی سازمانی: کاربرد استراتژی داده بنیاد در عمل. آذر اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- دوآن، شولتز (۱۳۸۶). نظریه های شخصیت. مترجمان یوسف کریمی و دیگران. تهران: ارسباران.
- رخشاد، محمدحسین (۱۳۸۵). در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت. قم: مؤسسه فرهنگی سما.
- رضایان، علی و لشکر بلوکی، مجتبی (تابستان ۱۳۸۹). هوشمندی رقابتی و تصمیم گیری استراتژیک چشم انداز مدیریت بازرگانی. شماره ۲، پیاپی ۳۵.
- ره پیک، سیامک. فرآیند تصمیم گیری در بحران و نقش رسانه ها. نشریه پژوهش های ارتباطی، شماره ۵۶.
- صدوق (۱۳۶۲). الأملی. بیروت: اعلمی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۶). ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، مجتبی و قربانی، مهرناز (زمستان ۱۳۸۸). نقش هوش هیجانی بر شیوه تصمیم گیری مدیران. فصلنامه مدیریت، سال ششم، شماره ۱۶.

- عبداللهی، عبدالحسین (۱۳۸۴). روانشناسی تصمیم‌گیری: تأثیر پیگیری اطلاعات بی‌فایده و غیرابزاری بر انتخاب و تصمیم‌گیری. تازه‌های علوم شناختی. سال ۷، شماره ۱.
- فربود، یوسف (پاییز ۱۳۷۹). خطای تصمیم‌گیری مدیران. نشریه دانش مدیریت، سال سیزدهم، شماره ۵۰.
- کلینی رازی، اسحاق (۱۳۷۸). الکافی. قم: دارالحدیث.
- گریگوری، جی فیست (۱۳۸۴). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: روان.
- مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار. بیروت: چاپ مؤسسه الوفاء.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). مجله دیدار آشنا: شیطان را ملامت نکنید. صص ۹۸-۹۷.
- مطهری، مرتضی. یادداشتها. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۹.

#### (Endnotes)

۱. رسانه‌ها در تولید و ایجاد مسائل نقش مهمی دارند؛ زیرا توانایی‌های فنی گوناگون این امکان را به آن‌ها می‌دهد که با بزرگنمایی، حساس کردن، تقویت کردن، تکرار یک کد یا عنوان، ایجاد ترس و اضطراب و ... سیاست‌گذاران را تحت فشار قرار دهند تا با یک حادثه یا واقعه به‌عنوان یک مسأله برخورد کنند.